



آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست

خروجی رسانه‌های مدعی روشنفکری در شرایط حساس کنونی، با واکنش‌هایی روبه‌رو شده است

# رسانه‌های جاده‌صاف‌کن دشمن

۱

«آگاه» در پرونده ویژه خود به مناسبت هفته معلم

به جایگاه و ابعاد تعلیم و امت‌سازی رهبر شهید انقلاب پرداخت

## معلم بعثت‌ساز

پرونده ویژه



با آثار و گفتاری از:

سعید توتونکار، حسین انجدانی، سجاد انجم شجاع

شهاب الدین عالمی، فاطمه حسین پور، محمد عرفان خانی

یوسف پورجم، محمدرضا بابایی، شادی ورشوچی و حانیه حسین زاده

### خروجی رسانه‌های مدعی روشنفکری در شرایط حساس کنونی، با واکنش‌هایی روبه‌رو شده است

#### رسانه‌های جاده‌صاف‌کن دشمن

در میانه یک جنگ تمام‌عیار که ابعاد آن از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و به حوزه‌های اقتصادی و روانی کشیده شده است، بازخوانی رفتار رسانه‌ای برخی چهره‌های سیاسی داخلی، پرسش‌های جدی و تأمل‌برانگیزی را پیش می‌کشد. اخیراً شاهد موجی از مصاحبه‌ها و اظهارنظرهای افرادی نظیر عباس عدی، موسی غنی‌نژاد و صادق زیباکلام بوده‌ایم که محور اصلی آنها، پیوند زدن مستقیم معیشت مردم به تبعات جنگ و پیش‌بینی فروپاشی زندگی روزمره است. اگرچه نقد اقتصادی و بیان دردهای مردم وظیفه هر رسانه آزاده‌ای است، اما نوع روایتگری این جریان در شرایطی که کشور درگیر یک نبرد سرنوشت‌ساز نظامی و امنیتی است، فراتر از یک تحلیل ساده به نظر می‌رسد. این رویکرد، درخوش‌بینانه‌ترین حالت، «ناهمانگی با منافع ملی» و در واقع بی‌بینه‌ترین حالت، بازی در زمین «پیاپی‌ده نظام رسانه‌ای دشمن» است.

#### خالی کردن دل مردم؛ استراتژی مکمل محاصره

جنگ‌های مدرن تنها در اتاق‌های عملیات و شلیک موشک‌ها خلاصه نمی‌شوند. بخش عمده‌ای از سرنوشت یک نبرد، در «اراده» ملت‌ها رقم می‌خورد. دشمن برای درهم شکستن این اراده، به پیوسته‌های رسانه‌ای نیاز دارد تا ترس، ناامیدی و اضطراب را به بدن جامعه تزریق کند. وقتی چهره‌های شاخص سیاسی به جای تقویت همبستگی ملی، بر طبل «گرانی ناشی از جنگ» می‌کوبند و با ادبیاتی یاس‌آلود از پاشیدن زندگی‌ها سخن می‌گویند، در حقیقت همان قطعه‌پازاری را تکمیل می‌کنند که اتاق فکرها، غربی برای «اتحاد محاصره و فشار» طراحی کرده‌اند. این نوع موضع‌گیری‌ها، دقیقاً همسو با برنامه دشمن برای ایجاد شکاف میان حاکمیت و مردم عمل می‌کند. ایجاد هراس از آینده و بزرگ‌نمایی تبعات اقتصادی نبرد، آدرس غلطی است که هدف آن عقب‌نشینی از حقوق حقه نظامی و سیاسی کشور است.

#### تحلیل یا تخریب؟

نکته کلیدی اینجاست که چهره‌هایی مانند غنی‌نژاد یا عدی، با پوشش «تحلیل کارشناسی»، ریشه‌های بحران را نه در خوی تجاوزگری دشمن، بلکه در ایستادگی ملی جست‌وجو می‌کنند. آنها با شرطی‌سازی اقتصاد نسبت به تنش‌های نظامی، جامعه را به سمتی سوق می‌دهند که گویی هزینه امنیت، فقر است. این دوقطبی‌سازی کاذب (معیشت در برابر امنیت)، خطرناک‌ترین سمنی است که می‌تواند در شرایطی که جامعه در حال نبرد تزریق شود.

#### لزم هوشیاری در جبهه خودی

رسانه در شرایط کنونی نباید تریبون رایگانی برای کسانی باشد که آگاهانه یا ناآگاهانه، دل مردم را خالی می‌کنند. همان‌طور که در جبهه‌های حق، رزمندگان در برابر گلوله‌ها ایستاده‌اند، در فضای رسانه‌ای نیز نباید اجازه داد «پیاپی‌ده داخلی» جاده را برای نفوذ ادراکی دشمن صاف کند. باید از این حضرات پرسید، در کجای دنیا، در حالی که کشور تحت تهدید نظامی است، تریبون‌های رسمی به تضعیف روحیه عمومی و القای فروپاشی اختصاص می‌یابد؟ پاسخ روشن است: این رفتار نه نقد است و نه تحلیل، بلکه همسویی با استراتژی دشمن برای تسلیم از درون است. دوران کنونی، زمان انتخاب مرزبندی‌های روشن است. نمی‌توان هم مدعی وطن دوستی بود و هم در حساس‌ترین مقطع تاریخی، با تیتراهای زرد و تحلیل‌های یاس‌آور، با زوری رسانه‌ای فشار خارجی شد. صیانت از امنیت روانی جامعه، کمتر از حفاظت از مرزها نیست و کسانی که با کلمات‌شان به آرامش مردم لگ می‌زنند، باید بدانند که تاریخ درباره این «خیانت در روایت» قضاوت سختی خواهد کرد.

### رئیس مجلس شورای اسلامی در دومین پیام صوتی خود پنج خواست از مردم ایران مطرح کرد

## ملت ایران جان می‌دهد اما تسلیم نمی‌شود

محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی روز گذشته در دومین پیام صوتی خود به مردم ایران، نکاتی را درباره دوره جدید جنگ به خصوص شرایط اقتصادی کشور مطرح و با بیان پنج خواست از افکار مختلف مردم ایران در داخل و خارج از کشور، پیشنهاداتی برای فاز جدید جنگ ارائه کرد.

به گزارش «آگاه»، قالیباف در ابتدای پیام خود خطاب به ملت ایران گفت: مردم عزیز و شریف ایران همان‌طور که در پیام صوتی قبلی عرض کردم دشمن در طراحی جدید خود با محاصره دریایی به دنبال فشار اقتصادی و جوسازی رسانه‌ای و به دنبال از بین بردن انسجام کشور است تا ما را تسلیم کند. البته این را هم بگویم که ما احتمال حمله نظامی مخصوصاً حملات تروریستی را کم نمی‌دانیم اما آن بخش از طراحی دشمن که به جامعه باز می‌گردد، ضعیف کردن ایران از درون است. درباره انسجام بعداً نکاتی عرض می‌کنم و فعلاً می‌خواهم درباره توطئه فشار اقتصادی دشمن با شما نکاتی را در میان بگذارم.

رئیس نهاد قانونگذاری کشورمان در ادامه تصریح کرد: اولین مطلب این است که دشمن به فشار اقتصادی بسیار امید بسته است. نشانه آن نیز اقدامات جدید آمریکا در تنگه هرمز، خلیج فارس و موضوع محاصره دریایی است و مشخص است که باز هم گزارش‌های غلط به او داده‌اند و بر اساس این گزارش‌ها، تصمیم غلط گرفته‌اند. این تصمیم غلط نیز باعث می‌شود همه به زحمت بیفتند و بیش از همه مردم آمریکا به چالش اساسی در افزایش هزینه‌های زندگی افتاده‌اند. وی افزود: کارشناسان متخصص حوزه ایران اذعان می‌کنند ملت ایران هر قدر در فشار اقتصادی قرار بگیرند به خاطر استقلال و عزت وطن خود و به خاطر دین و اعتقادات خود مشکلات است که اولویت و تمرکز اصلی خود در این روزها بر پیگیری مشکلات مردم بگذارند. شما باید واسطه میان مردم و مسئولان دولتی و خبرین شوید. دولت و نهاد‌های حاکمیتی هم از ظرفیت بسیج به ویژه در محلات استفاده ویژه کنند و مطمئن باشند کاری که بسیج می‌کند هیچ دستگای نمی‌تواند انجام دهد. وی اظهار کرد: خواست چهارم من از کارشناسان و نخبگان است. ما امروز به ایده و طرح برای حل مشکلاتی نیاز داریم که به خاطر جنگ پیش می‌آید. حجم زیادی از پیشنهادات کارشناسی به دست رسیده که بسیاری از آنها مفید و خوب است لذا خواهش می‌کنم نخبگان منتظر نباشند که کسی به آنها مراجعه کند. لطفاً راه‌حل‌ها و پیشنهادات خود را در اختیار مسئولان قرار دهید. همچنین از مرکز پژوهش‌های مجلس می‌خواهم تا سازوکارهایی برای دریافت این نظرات ایجاد و به نخبگان و مردم اعلام کنند.

قالیباف در بخش دیگری از پیام خود ایرانیان خارج از کشور را مخاطب قرار داد و گفت: آخرین خواهش از ایرانیان خارج از کشور است. شما که امروز از هزاران کیلومتر دورتر نگران وطن عزیز خود هستید، خیلی از شماها ظرفیت‌های اقتصادی خوبی دارید، خیلی از شما ظرفیت‌های کارشناسی بزرگی دارید و خیلی از شماها ظرفیت‌های ارتباطی موثری دارید. ایران امروز به تک‌تک شما نیاز دارد. امروز که می‌توانید و باید برای وطنتان مفید باشید، با ظرفیت‌های عظیمی که دارید می‌توانید تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین ارکان شکست دادن دشمن ایران شوید. رئیس دستگاه تقنینی کشورمان ادامه داد: البته سفارتخانه‌ها و دستگای دولتی هستند که باید زمینه لازم را برای استفاده از این ظرفیت‌ها ایجاد کنند اما تجربه‌های اجرایی من می‌گوید اگر شما منتظر فلان مجموعه باشید، کار به نتیجه نمی‌رسد. امروز وقت آن است که با پافشاری و جدیت، مسئولان را مجبور کنید، تاکید می‌کنم. مجبور کنید تا از ظرفیت‌های شما برای کمک به ایران استفاده شود. خودتان بهتر از هر کسی می‌دانید در چه زمینه‌ای و چگونه می‌توانید به ایران عزیزتر از جان‌مان کمک کنید.

رئیس مجلس شورای اسلامی در پایان خاطر نشان کرد: وظیفه خود می‌دانم تا تک‌تک مردم عزیز، شریف و سلیقه‌های مذهبی و سیاسی مختلف که با حضور فعال خود پشتوانه اصلی دفاع از ایران اسلامی عزیزمان هستند، تشکر و قدردانی کنم. ارادتمند و دعاگوی همه مردم عزیز ایران در هر کجای دنیا هستم. والسلام علیکم ورحمت‌الله و بركاته.



### رهبر معلم



مرتضی مفیدزاد  
روزنامه‌نگار

«تربیت به طور کلی با صنعت یک فرق دارد که از همین فرق، انسان می‌تواند جهت تربیت را بشناسد. صنعت عبارت است از «ساختن» به معنی اینکه شیء یا اشیائی را تحت یک نوع پیراستن‌ها و آراستن‌ها قرار می‌دهند. میان اشیاء و میان قوای اشیاء ارتباط برقرار می‌کنند، قطع و وصل‌هایی در جهت مطلوب انسان صورت می‌گیرد و آنگاه این شیء می‌شود مصنوعی از مصنوعات انسان و فرض کنید که از طلا یک حلقه انگشتری زیور دیگری می‌سازیم، آن را شکل می‌دهیم و می‌شود یک مصنوع برای ما. ولی تربیت عبارت است از پرورش دادن. یعنی استعداد‌های درونی‌ای که بالقوه در یک شیء موجود است. به فعلیت درآوردن و پروردن و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیر جاندار به کار ببریم مجازاً به کار برده‌ایم، نه اینکه به مفهوم واقعی. آن شیء را پرورش داده‌ایم، یعنی یک سنگ یا یک فلز را نمی‌شود پرورش داد آن طوری که یک گیاه یا یک حیوان یا انسان را پرورش می‌دهند. این پرورش دادن‌ها به معنی شکوفاکردن استعداد‌های درونی آن موجودها است که فقط در مورد موجودهای زنده صادق است و از همین جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا بشود، باید کوشش کرد همان استعدادهایی که در آن هست پرور و ظهور کند اما اگر استعدادی در یک شیء نیست، بدیهی است آن چیزی که نیست و وجود ندارد، نمی‌شود آن را پرورش داد. اینها بخشی از دست‌نوشته‌های معلم شهید انقلاب استاد مرتضی مطهری است. شخصیت برجسته‌ای که بخش قابل توجهی از جریان اندیشه تربیتی ما را بعد از انقلاب رقم زده است. اینجا یک نکته حائز اهمیت وجود دارد و آن اینکه چه شخصیت‌هایی مثل شهید مطهری و شهید بهشتی و چه افرادی چون امام راحل و رهبر شهیدمان به عنوان پیشروان انقلاب همگی بر این مقوله متفق بودند که مردم ایران از توانایی و استعداد درونی برخوردارند و در تمام طول فعالیت‌شان به دنبال کشف و پرورش این استعداد ذاتی بودند. از آن سو چه مشترک جالب همه این افراد شأن معلمی و تعلیم و تربیت‌شان بود که سعی کردند در این نزدیک به پنج دهه هر آنچه می‌توانند بر این مقوله اصرار ورزند و برای تحقق آن تلاش کنند. امروز و در دوران پس از شهادت رهبر شهیدمان، به عنوان کسی که بیشترین سهم را در شکل‌دهی به این نظام تربیتی ایفا کردند، در کنار همه فعالیت‌ها و کارهایی که باید صورت گیرد یکی از اساسی‌ترین اتفاقات، ترسیم و طراحی نظام تربیتی است که رهبر انقلاب آن را ترسیم کردند و بدان پرداختند. این نظام یک کل واحد و گزاف است که اجزای تشکیل‌دهنده‌ای همچون مبانی انقلاب اسلامی، دیدگاه‌های امام راحل (ره) اندیشه‌های شهید مطهری، اندیشه‌های شهید بهشتی و... هستند ولیکن نگاه و نظام فکری رهبر شهید، جامع همه این نگاه‌ها و بخش اصلی این نظام فکری را تشکیل می‌دهد.





محسن رضایی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ نیروهای مسلح قدرتمند ایران آماده هستند

کارسازی سفارت انگلیس برای دو جاسوس

### فایل صوتی جنجالی

اخیرا یک فایل صوتی اززوج انگلیسی متهم به جاسوسی در تهران از سوی شبکه بی‌بی‌سی با عنوان مصاحبه با رسانه‌ها منتشر شده که واکنش‌هایی را در پی داشته است.

بی‌بی‌سی مدعی شده این زوج برای نخستین بار از زمان بازداشت، به‌صورت هم‌زمان، اما از طریق تلفن‌های جداگانه از زندان اوین، با رسانه‌ها گفت‌وگو کرده‌اند. پیگیری‌های «میزان» نشان می‌دهد حسب ضوابط پیش‌بینی شده در آیین‌نامه اجرائی زندان‌ها و در راستای رعایت حقوق و کرامت بازداشت‌شدگان، زندانیان می‌توانند از تلفن‌های عمومی داخل زندان با خارج از زندان ارتباط برقرار کنند. درمورد اتباع خارجی هم این امر البته با رعایت تشریفات مربوطه امکانپذیر بوده لیکن این زوج انگلیسی بدون رعایت شرایط مربوط به مکالمات اتباع خارجی با سفارت متبوع خود ارتباط برقرار کرده‌اند.

این در حالی است که در کشورهای اروپایی بعضا شهروندان ایرانی را به اتهام‌های واهی مختلف دستگیر می‌کنند و از امکانات حداقلی یک زندانی محروم هستند، اما متهمان در ایران با ویژه اتباع کشورهای بیگانه در راستای رعایت حقوق بشراسلامی امکان ارتباط با خانواده‌و نمایندگی‌های کشورشان را دارند!

در رابطه با فایل صوتی این متهمان که در بی‌بی‌سی با عنوان مصاحبه با رسانه‌ها، منتشر شده است، پیگیری‌های «میزان» نشان می‌دهد، متهمان با سفارتخانه انگلیس گفت‌وگو کرده‌اند، اما سفارت انگلیس با سوءاستفاده از این امرگفت‌وگوهای مرموزرا ضبط، سپس جعل و به عنوان گفت‌وگوی اختصاصی با بی‌بی‌سی منتشر کرده است. در پی این اقدام غیرقانونی سفارت انگلیس و اظهارات خلاف واقع متهمان، براساس ضوابط قانونی با متخلفان برخورد قضایی صورت خواهد گرفت.

گفتنی است، این افراد در دی سال ۱۴۰۳ به اتهام جاسوسی دستگیر شدند. به گفته اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضاییه، این افراد با همکاری دستگاه‌های امنیتی تحت اشراف قرار گرفته و توسط سازمان اطلاعات سپاه استان کرمان دستگیر شده‌اند. سخنگوی دستگاه قضا در یکی از نشست‌های خبری خود اعلام کرده بود، افراد بازداشت شده تحت پوشش گردشگروارد ایران شده‌اند و درپوشش کارهای تحقیقاتی و پژوهشی اقدام به جمع‌آوری اطلاعات در چندین استان کشور کرده‌اند. جهانگیر گفته بود: این افراد با موسسات پوششی مرتبط با سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای متخاصم و غربی در قالب و پوشش فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی همکاری می‌کردند.

سخنگوی قوه قضاییه همچنین اظهار کرده بود، این دو تبعه انگلیس طی یک سری اقدامات منسجم اطلاعاتی و در حال جمع‌آوری اطلاعات در شهر کرمان تحت کنترل دستگاه‌های اطلاعاتی استان قرار گرفته و بازداشت شده‌اند.

## قوای کشور مصمم به حراست از معیشت مردم اعلام جرم علیه محتکران

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس، نوشت، از افزایش قیمت‌ها مطلع هستم. بخشی از آن مربوط به تغییر قیمت‌های مواد اولیه با مشکلات مرتبط با جنگ ظالمانه‌ای است که مردم می‌دانند، اما گران‌فروشی و احتکار قابل تحمل نیست. از وزیر دادگستری خواستم با هماهنگی قوه قضاییه با هرگونه تخلف که آرامش جامعه را برهم می‌زند، برخورد جدی شود.

حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه نیز اعلام کرده است که به مسئولان و مراجع ذی‌صلاح قضایی تاکید موكد شده است نهایت همکاری و مساعدت را با بخش‌های ذی‌ربط اجرائی در امر کنترل بازار و نظارت بر توزیع ارزاق و مایحتاج مردم داشته باشند.
عناصری که از شرایط موجود سوءاستفاده کنند و به احتکار وگران‌فروشی و توزیع و فروش محصولات تقلبی یا تاریخ مصرف گذشته مبادرت ورزند، وفق قانون، به شدت تعزیر می‌شوند و مماشاتی با آنها صورت نخواهد گرفت. معیشت مردم برای ما یک مقوله بسیار مهم است!

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت نیز در گفت‌وگویی تلویزیونی، اظهار کرد: افزایش قیمت‌ها مورد گلّه شهروندان است. وزیر دادگستری اعلام کرد با هرگونه احتکار وگران‌فروشی برخورد خواهد شد. وی ادامه داد: با تحویل‌گندم، ۳۰ درصد بی‌آبی آن به صورت پیش‌پرداخت به حساب کشاورزان واریز می‌شود.



فرماندهی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای در شبکه اجتماعی ایکس، نوشت: از همکاری کاپیتان‌ها و مالکین کشتی‌های مستقر در خلیج فارس و دریای عمان برای عبور و مرور از تنگه هرمز مطابق ضوابط ایران و مشارکت مطلوب شناورها در امنیت دریانوردی منطقه، تشکر می‌کنیم. با پایان تهدیدهای متجاوزان و در سایه رویه‌های جدید، امکان عبور و مروریمن و پایدار از تنگه فراهم خواهد شد.

به گزارش «آگاه»، این بیانیه سپاه در واقع حکم پیروزی ایران در نبرد تنگه هرمز بر آمریکا بود. آمریکایی‌که نمایش مضحک آزادی را در این تنگه به راه انداخت اما ۲۴ ساعت پس از یک نمایش مبتذل، عقب‌نشست. رئیس‌جمهور جنایتکار آمریکا بار دیگر مقهور و تسلیم ایران اسلامی شد و از پروژه کذایی خود در تنگه هرمز عقب‌نشینی کرد. ترامپ افکار عمومی آمریکا را به بازی گرفته است، مدام به آنها می‌گوید «برنده شدیم» و ۲۴ ساعت پس از هزادعا، اخبار عقب‌نشینی‌های قوای آمریکا منتشر می‌شود. ایران مکرر اعلام کرده که وضعیت تنگه هرمز به ترتیبات پیشین بازمی‌گردد. ترامپ در تنگنا و بن بست است؛ بهترین راه حل برای او عقب‌نشینی کامل از خلیج فارس است. ایران اسلامی با جهاد و تدبیر خود، در مدیریت آبراه‌های بین‌المللی و تنگه‌های راهبردی، طرحی نو درانداخته است و دکترین مداخله‌محور و چپاولگراییانه آمریکا را به چالش کشیده است.

دو ناله ترامپ، رئیس‌جمهور تروریست آمریکا در مواجهه با هشدارهای قاطع جمهوری اسلامی ایران. بار دیگر از تهدید خود عقب‌نشینی کرد. ترامپ بامداد چهارشنبه با طرح اد‌عاهای موهوم مانند گذشته، از توقف طرح نظامی در تنگه

هرمز برای اسکورت کشتی‌ها، آن‌ان هم فقط یک روز پس از شروع این طرح، خبر داد.

وی این عقب‌نشینی را اینگونه در صفحات خود در شبکه‌های اجتماعی مطرح کرد؛

با توجه به درخواست پاکستان و دیگر کشورها، موفقیت نظامی چشمگیری که در

کارزار نظامی علیه کشور ایران داشتیم و این واقعیت که پیشرفت بزرگی به سمت

یک توافق کامل و نهایی با نمایندگان ایران حاصل شده، ما به شکل دو جانبه

توافق کردیم هم‌زمان که محاصره ایران با قدرت سرچای خود می‌ماند، پروژه آزادی

حرکت کشتی‌ها از طریق تنگه هرمز برای مدت کوتاهی متوقف شود تا ببینیم بالاخره

می‌شود توافق و نهایی و امضا کرد یا خیر.

شامگاه‌یک‌شنبه‌بود که ترامپ از پروژه جدید خود تحت عنوان پروژه آزادی در تنگه هرمز خبر داده و مدعی شد که آمریکا عملیاتی نظامی را برای خروج کشتی‌های تجاری که در خلیج فارس گرفتار شده‌اند آغاز خواهد کرد. کاخ سفید ا‌عا می‌کند که عملیات جدید آمریکا در تنگه هرمز موسوم به پروژه آزادی با عملیات نظامی‌ای که روز ۱۰ اسفند در ایران آغاز شده تفاوت دارد و دو عملیات جداگانه محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران صراحتاً هشدار داده است که در صورت نزدیک شدن کشتی‌های نظامی هرکشوری به تنگه‌هرمز تا تلاش شناورهای غیرنظامی برای عبور از مسیری غیر از مسیر تعیین‌شده توسط تهران، آنها را هدف قرار خواهد داد.

### شکست نمایش‌های مضحک ترامپ

همانطور که پیش‌بینی می‌شد عملیات ترامپ تحت عنوان پروژه آزادی برای بازگشایی تنگه هرمز در همان ۲۴ ساعت اول شکست خورد و دنیا برای چندمین بار در نزدیک یک سال گذشته شکست وعده‌ها و تبلیغات ترامپ را دید. دنیا با نمایش‌های مضحکی از سوی ترامپ رویبوست که خودش برای خودش عملیات تعریف می‌کند، خودش ضرب‌الاجل می‌گذارد، خودش تعلیق می‌کند، خودش توافق می‌کند، خودش عقب‌نشینی می‌کند و نهایتاً خودش اعلام پیروزی می‌کند. در یک سال گذشته ده‌ها بار برپرونده هسته‌ای ایران را بسته، ارتش ایران را شکست داده، در تنگه هرمز را باز کرده و جمهوری اسلامی را تغییر داده اما همه دنیا می‌بینند که هنوز ناو هواپیمابر آن بیش از ۶۰ روز است که در ده ۵۰ کیلومتری تنگه هرمز جرأت نزدیک شدن ندارد، تنگه عملاً قفل شده، دنیا با بحران انرژی و مواد غذایی مواجه شده، اقتصاد آمریکا تادلش را از دست داده، اروپا راهش را از آمریکا جدا کرده، واکنش‌های شریده منطقه‌ای تنگه‌گاه‌شان را از دست داده‌اند، صادرات نفت این کشورها صفر شده و کشوری مثل سومالی در معادلات جهانی تاثیرش از آمریکا در منطقه بیشتر شده است. دنیا این اتفاقات را می‌بیند و فارغ از نمایش‌های مضحک ترامپ براساس واقعیات مسائل را تحلیل و شکل‌گیری نظم جدید را درک و خود را با طرف قدرت این نظم منطقه‌ای تنظیم می‌کند.

در همین رابطه، وائق‌الجابری، تحلیلگر سیاسی عراقی اعلام کرد که پروژه دولت

آمریکا از پروژه کذایی آزادی تنگه هرمز عقب‌نشست

# ترامپ تسلیم شد



آمریکا موسوم به آزادسازی کشتی‌های سرگردان در تنگه هرمز شکست خورده است و پروژه واشنگتن در منطقه در مواجهه با توانایی‌های ایران ناتوان است. الجابری بیان کرد: پروژه آزادی که توسط دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای شکستن محاصره کشتی‌های سرگردان آغاز شده است، تاگام مانده است و توانایی‌های نظامی فعلی آمریکا نمی‌تواند بر اقدامات اعمال شده توسط ایران در تنگه هرمز غلبه کند. زورگویی آمریکایی‌ها با دیوار دفاعی ایران که کنترل خود را بر این آبراه حیاتی تشدید کرده، برخورد کرده است. الجابری خاطرنشان کرد، واشنگتن در تلاش است تا از طریق کمپین‌های رسانه‌ای، پیروزی‌های خیالی را به بازار عرضه کند، اما واقعیت‌های میدانی، افول هژمونی آمریکا در منطقه را در مواجهه با قدرت روزافزون محور مقاومت تأیید می‌کند.

این در حالی است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا عصر سه‌شنبه به وقت محلی ادعا کرد که با هدف تلاش برای دستیابی به توافق پایان جنگ و بازگشایی تنگه هرمز پروژه آزادی موقتا تعلیق می‌شود. پیش‌از این نیز عبدالباری عطوان، تحلیلگر جهان عرب با اشاره به تحرکات جدید آمریکا در خلیج فارس گفته بود که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور از آخرین دروغ و ترفند خود، یعنی پروژه آزادی عقب‌نشینی خواهد کرد و به میناجی‌های عرب و مسلمان مانند پاکستان و عمان متوسل می‌شود.

### قدرتمندترین سلاح بازدارندگی ایران

طول تنگه هرمز حدود ۱۶۰ کیلومتر و عرض آن در باریک‌ترین نقطه نزدیک به ۳۳ کیلومتر است. این تنگه نه تنها مسیر عبور نفت و کالاهای تجاری به کشورهای مختلف را فراهم می‌کند، بلکه به عنوان یک عامل بازدارنده قوی در برابر تهدیدات خارجی عمل می‌کند. ۷۰ درصد از نفت جهان از طریق این تنگه عبور می‌کند و هرگونه اختلال در آن پیام‌های جدی برای اقتصاد جهانی دارد. خلیج‌های کوچک اطراف تنگه هرمز به ما امکان می‌دهد با استفاده از قایق‌ها، مین‌ها، موشک‌ها و پهپادها، امنیت خود را تأمین کنیم. کوه‌های صخره‌ای هرمز نیز به عنوان سنگرهایی عمل می‌کنند که می‌توانند به سرعت در برابر هر تهدیدی واکنش نشان دهند. تهدید به بستن تنگه هرمز موضوعی نیست که به ناگهی مطرح شده باشد؛ ایران در طول دهه‌ها این توانمندی را نشان داده است. سرانجام لحظه موعود فرا رسید و تنگه بسته شد؛ اقدامی که اقتصاد جهان را به رم ریخت و قیمت همه کالاهای اساسی و غیراساسی را افزایش داد.

پیش از جنگ، ارزیابی‌های جامعه اطلاعاتی آمریکا نشان می‌داد که ایران از تنگه هرمز به عنوان ابزاری استراتژیک برای بازدارندگی استفاده خواهد کرد. مدیر

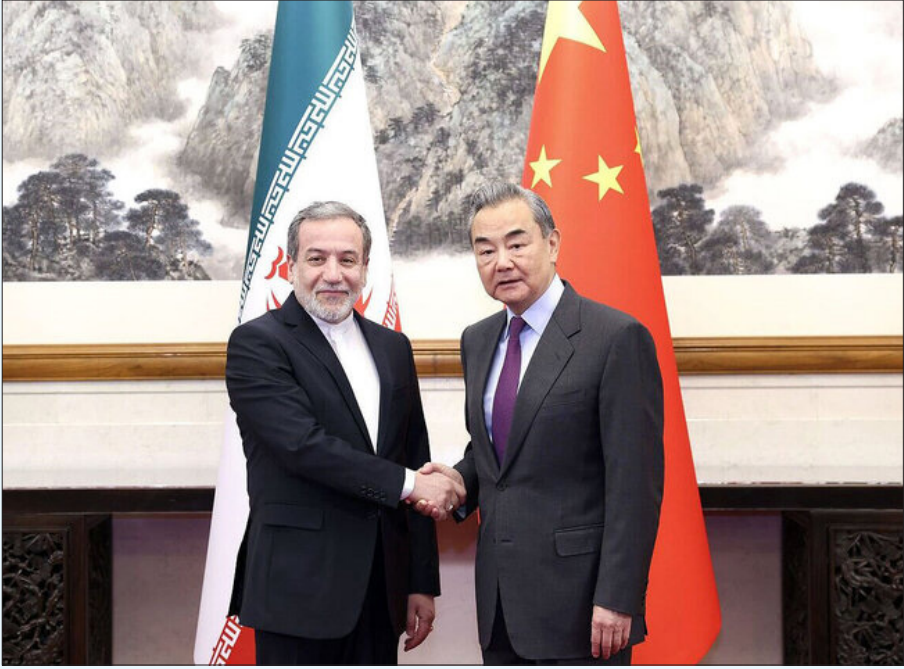


اطلاعات ملی آمریکا بر این نکته تأکید کرد، اما ترامپ این واقعیت را درک نکرد. سیاست‌های ترامپ در قبال ایران نه تنها کشور را تضعیف نکرد، بلکه باعث تقویت بازدارندگی در همه ابعاد شد. بسیاری از کارشناسان نظامی بر این باورند که برنامه هسته‌ای هدف اصلی بازدارندگی ایران بوده است. اما واقعیت این است که دکتربین جمهوری اسلامی ایران بر توانایی‌های نامتقارن مانند موشک‌ها و متحدهان منطقه‌ای استوار است. اگر بازدارندگی هسته‌ای هدف اصلی بود، ایران هرگز به برجام متعهد نمی‌شد. جمهوری اسلامی امروز با تقویت محور مقاومت، جلوی وحشی‌گری آمریکا و رژیم صهیونی را گرفته است. جنگ سوم تحمیلی نشان داد که محور مقاومت با پای ایران جنگید. تنگه هرمز نمادی از قدرت و اراده ملی کشورمان در برابر چالش‌های بین‌المللی است؛ ابزاری سیاسی و نظامی که قدرتمندترین سلاح بازدارندگی کشور محسوب می‌شود.

### ادعای آکسیوس: آمریکا و ایران به تفاهم‌نامه پایان جنگ نزدیک شده‌اند

اما در تب و تاب اتفاقات تنگه هرمز و غلبه ایران بر آمریکا در این آبراه استراتژیک، وبگاه خبری آکسیوس به نقل از دو مقام آمریکایی و دو منبع آگاه دیگر گزارش داد که کاخ سفید معتقد است به توافق با ایران بر سر یک تفاهم‌نامه یک صفحه‌ای برای پایان دادن به جنگ و ایجاد چارچوبی برای مذاکرات هسته‌ای دقیق‌تر نزدیک می‌شود. طبق این گزارش، آمریکا انتظار دارد ایران در ۴۸ ساعت آینده درباره چند نکته کلیدی پاسخ دهد. منابع گفتند که هنوز هیچ توافقی حاصل نشده، اما این نزدیک‌ترین فاصله طرفین به توافق از آغاز جنگ است. به ادعای آکسیوس، توافق همچنین شامل تهدید ایران به تعلیق غنی‌سازی هسته‌ای، موافقت آمریکا با رفع تحریم‌ها و آزادسازی مایلرها دلار از دارایی‌های مسدودشده ایران و رفع محدودیت‌ها از سوی دو طرف بر ترانزیت از تنگه هرمز خواهد بود.

طبق این گزارش، بسیاری از شرایط ذکر شده در این یادداشت تفاهم، منوط به حصول توافق نهایی خواهد بود و این احتمال را باقی می‌گذارد که جنگ از سر گرفته شود یا وضعیت بلاتکلیفی طولانی مدتی پیش‌آید که در آن جنگ متوقف شده، اما هیچ چیز واقعاً حل نشده باشد. دو مقام آمریکایی مدعی شدند که تصمیم رئیس‌جمهور آمریکا برای عقب‌نشینی از عملیات تازه اعلام شده‌اش در تنگه هرمز و جلوگیری از فروپاشی آتش‌بس سکنگنده، براساس پیشرفت حاصل‌شده در مذاکرات بوده است. به گزارش آکسیوس، یادداشت تفاهم یک صفحه‌ای و ۱۴ ماده‌ای بین استیو وینکاف و جارد کوشنر، نمایندگان ایران و چند مقام ایرانی به صورت مستقیم و همپنطور از طریق واسطه‌ها در حال مذاکره است.



کرد. لین جیان همچنین در واکنش به ادعاهای اخیر اسکات بستن، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده که مدعی شده بود از چین خواسته است به عملیات آمریکا برای اسکورت کشتی‌ها در تنگه هرمز بپیوندد و ادعا کرده بود که چین مانع پیشبرد ابتکارات در سازمان ملل می‌شود، اظهار کرد: موضع پکن در قبال وضعیت این تنگه کاملاً شفاف و قاطع است و از همه طرف‌های ذی‌ربط می‌خواهیم اختلافات را از طریق گفت‌وگو حل و فصل کنند. وی افزود، چین به تلاش‌های خود برای کاهش تنش در تنگه هرمز ادامه خواهد داد و همچنین به طور کامل از ایمنی کشتی‌های تحت سرمراهی‌گذاری چین و خدمه چینی محافظت خواهد کرد.



غیرقانونی و فرامرزی قوانین و تدابیر خارجی هستند. رویوبو ادعای اینکه چین به شرکت‌های خود دستور داده تا تحریم‌های آمریکا علیه ایران را نادیده بگیرند، هشدار داد؛ در صورت انجام این کار، چین با تحریم‌های ثانویه روبرو خواهد شد. سخنگوی وزارت خارجه چین در این رابطه گفت: مقامات ذی‌ربط چینی پیش از این موضع کشور را در خصوص مسائل مرتبط شفاف کرده‌اند، وی همچنین افزود، چین به دقت وضعیت‌های مربوط به اعمال نامناسب و فرامرزی قوانین و تدابیر توسط کشورهای ذی‌ربط را زیر نظر خواهد داشت و با قاطعیت از حقوق و منافع مشروع شهروندان و شرکت‌های چینی مطابق با قانون محافظت خواهد

یک قدرت میانجی جهانی است.

به گزارش خبرگزاری شینهوا، عراقچی اظهار کرد که ایران به اصل چین و احد پایبند است و از حفاظت از منافع اصلی چین حمایت می‌کند. چین نیز به نوبه خود، ایران را به عنوان شریک استراتژیک قابل اعتماد معرفی کرد. محمد کشاورزاده، سفیر پیشین ایران در چین، معتقد است که پکن به این درک رسیده است که برای هرگونه رابطه پایدار با کشورهای منطقه باید با ایران به عنوان تأمین‌کننده اصلی امنیت وارد گفت‌وگو و تعامل شود. کشاورزاده تأکید می‌کند که چین به رغم فشارها و تحریم‌های آمریکا، حتی در شرایط فعلی نیز به خرید نفت از ایران ادامه خواهد داد و تهران باید پکن را در جریان تعامل و مذاکراتی که با آمریکا دارد قرار دهد تا چینی‌ها احساس نکنند که مذاکرات ایران و آمریکا می‌تواند به تهدیدی برای روابط تهران و پکن تبدیل شود.

### چین: تحریم‌ها علیه ایران غیرقانونی هستند

سخنگوی وزارت امور خارجه چین ضمن ابراز مخالفت کشور متبوعش به تحریم‌های یک‌جانبه غیرقانونی آمریکا که فاقد مبنا در قوانین بین‌المللی بوده، تصریح کرد که پکن با قاطعیت از حقوق و منافع مشروع شهروندان و شرکت‌های چینی مطابق با قانون محافظت خواهد کرد.

لین جیان در نشست خبری روز چهارشنبه خود، گفت، پکن همواره با تحریم‌های یک‌جانبه غیرقانونی که فاقد مبنا در قوانین بین‌المللی بوده و توسط شورای امنیت سازمان ملل تأیید نشده‌اند، مخالف است. وی در واکنش به اظهارات مارکو رویوبو، وزیر خارجه آمریکا، افزود: اقدامات مربوط به چین مطابق با قانون اجرا می‌شوند و گامی عملی برای جلوگیری از اعمال

## محور ضد آمریکایی تقویت شد

# تهران و پکن؛ شرکای راهبردی

سطح بالا بی‌دو کشور تأکید کردند. این رسانه رسمی چین

در ادامه گزارش خود، افزود، وانگ‌بی در دیدار با سید عباس عراقچی، از تعهد ایران به عدم توسعه سلاح‌های هسته‌ای تمجید و اظهار کرد، ایران حق مشروع استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را دارد. وانگ‌بی همچنین بر مخالفت صریح چین با تداوم دیگری‌ها در خاورمیانه تأکید کرد و خواستار آن شد که تمامی طرف‌ها به خواست جامعه بین‌المللی برای کاهش تنش‌ها توجه کنند. وی افزود، بازگشت تردد امن و عادی در تنگه هرمز برای ثبات

بازارهای جهانی انرژی و امنیت بین‌المللی ضروری است.

این دیدار در شرایطی انجام شد که تحولات اخیر در مسیرهای راهبردی انرژی و افزایش نگرانی‌ها درباره امنیت تنگه هرمز بار دیگر توجه قدرت‌های بزرگ را به نقش این گذرگاه حیاتی جلب کرده است. براساس روایت شینهوا، وزیر امور خارجه چین در این گفت‌وگو‌ها بار دیگر بر ابتکار پکن برای شکل‌دهی به یک معماری امنیتی جدید منطقه‌ای تأکید کرد؛ ابتکاری که هدف آن جایگزینی رقابت‌های تنش‌زا با سازوکارهای همکاری‌محور است.

این رویکرد به‌ویژه در سال‌های اخیر به یکی از محورهای سیاست خارجی چین در خاورمیانه تبدیل شده و با شعار امنیت مشترک از طریق گفت‌وگو، دنبال می‌شود. مفهوم معماری امنیتی جدید که از سوی چین مطرح شده، به عنوان محور اصلی گفت‌وگو‌ها مورد توجه قرار گرفت. این مفهوم بر ایجاد یک چارچوب چندجانبه تأکید دارد که در آن کشورهای منطقه به جای رقابت و تقابل، در مسیر همکاری‌های امنیتی، اقتصادی و انرژی حرکت کنند و به باور تحلیلگران نزدیک به سیاست خارجی چین، این رویکرد بخشی از تلاش پکن برای ایفای نقش فعال‌تر در مدیریت بحران‌های خاورمیانه و تثبیت جایگاه خود به عنوان

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان، با مبادا روز گذشته در رأس یک هیات دیپلماتیک وارد پکن شد. عراقچی در این سفر، با همتای چینی درباره روابط دو جانبه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی گفت‌وگو و تأکید کرد که ایران در عرصه دیپلماسی جدی و ثابت‌قدم است.

وزیر امور خارجه پس از دیدار با همتای چینی خود با اشاره به مهم‌ترین محورهای گفت‌وگو‌ها، تصریح کرد، دوستان چینی ما هم اعتقاد دارند که ایران پس از جنگ متفاوت با ایران پیش از آن است و بنابراین دوره جدیدی از همکاری‌های بین ایران و کشورهای منطقه در پیش خواهد بود. سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه در تشریح جزئیات دیدار خود با وانگ‌بی، وزیر امور خارجه چین چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت، در گفت‌وگو با صداوسیما گفت، دوستان چینی ما هم اعتقاد دارند که ایران پس از جنگ متفاوت با ایران پیش از آن است. یک ارتقای وضعیت بین‌المللی پیدا کرده و توانمندی و اقتدار خود را به اثبات رسانده و بنابراین دوره جدیدی از همکاری‌های بین ایران و کشورهای دیگر در پیش است.

وی با اشاره به محورهای گفت‌وگو‌های خود با همتای چینی گفت، همه مسائل فعلی مرور شد، جنگ و نحوه خاتمه آن، مذاکراتی که در جریان است، مسائل مربوط به برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، بحث‌های مربوط به تحریم‌ها، همه مسائل فی‌مابین، بحث درباره تنگه هرمز لزوم رعایت حقوق ایران از بحث‌های جدی ما بود و همه دیدگاه‌های موجود مورد بحث قرار گرفت. خبرگزاری رسمی شینهوا در گزارش خود از دیدار روزی خارجه ایران و چین، از معرفی تهران به عنوان شریک راهبردی قابل اعتماد از سوی پکن خبر داد و در طرف بر گسترش تبادلات و حمایت‌های



## پرونده ویژه

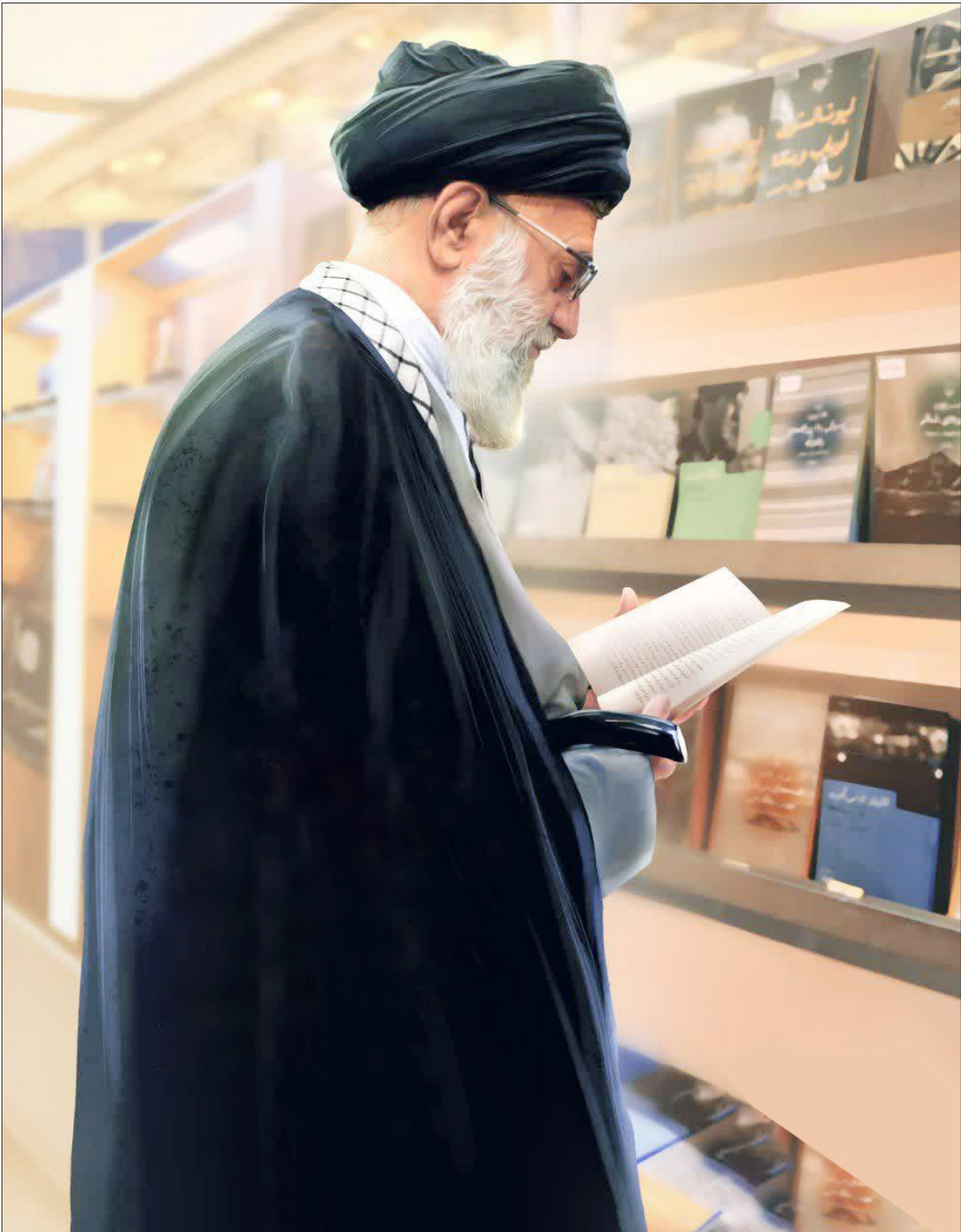
پنج‌شنبه / ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ / شماره ۵۳۴

پاک‌نژاد، وزیر نفت؛

در ۴۰روز جنگ حتی یک روز کاهش تولید نفت خام نداشتیم



## ۳



مسیر ترسیم شده توسط ایشان» جاری است. سنت ماندگار او این است که راهش با اندیشه و شهادت، همواره ادامه خواهد یافت و اینک، دربعثتی که پس از شهادت او شکل گرفته، رهبری جدید با همان مشی، همان زبان و همان نگاه، پرچم «امام معلم» را بردوش گرفته است. ان‌شاء‌الله که نسل امروز فردا، شاگردانی لایق برای این مکتب ماندگار باشند و راهی را بروند که «امام معلم» با خون خود روشن کرد و «معلم جدید» با قلم خود هموار سازد.

افزایش مهارت و بخش مهمی از رشد بینش و قالب‌ریزی هویت نسل آینده» سخن می‌گوید و یادآور می‌شود که «دانش آموزان و دانشجویان و طلبانی که در کنار هر معلمی رشد می‌کنند، درآینده ... چون آینه‌ای، نمایش‌دهنده رفتارها و گفتارهای معلمین خود خواهند بود.» این دقیقاً همان درسی بود که پدردر تمام سالیان برآن تأکید داشت. معلم، نه فقط آموزنده علم، که پورونده هویت است.

راه ایشان امروز نه در تک‌ریزه‌های زبانی‌که در «فکرکردن به سبک ایشان» و «حرکت در

تأملی بر راهکارهای تداوم اندیشه تربیتی رهبر شهید

# امام معلم



دکتر شهاب‌الدین عالمی پژوهشگر و مدرس دانشگاه

چه باید کرد وقتی بزرگ‌ترین آموزگار یک امت، ناگهان از میان ما می‌رود؟ پاسخ را باید در مکتب و نظام اندیشه‌ای او جست. حضرت آیت‌الله‌عظمی شهید سید علی خامنه‌ای (قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه) معلمی نبود که روزی تدریس کند و روزگاری به امور دیگر بپردازد. ذات و مشی ایشان، معلمی بود که حادثه‌ای به نام «امامت‌امت» در مسیر آن شکفت. ایشان در طول حیات شریف‌شان، نه با فرمان و بخشنامه، که با تذکر تبیین و جهت‌دهی مدام، نسل‌ها را ساخت و جامعه منفعل را به «امت صاحب رسالت» بدل کردند. کلید فهم رهبری ۳۷ ساله ایشان، نه در گزارش‌های رسمی، بلکه در کسوت «معلم‌امت» نهفته‌است. سیره عملی و بیانات‌شان، بیش از آنکه شبیه یک مدیر سیاسی باشد، شبیه معلمی دلسوز و راهبری تربیتی است که همواره بر «تزکیه» و «تعلیم» تأکید داشته‌اند. از سخنرانی‌های روشنگرانه تا جهاد تبیین در خطابه‌های نماز جمعه و از تذکر به نخبگان دانشگاه و حوزه تا دلجویی از معلمان مدارس روستاهای مرزی. ۲۴ ساعت‌امامت را وقف کلاس بی‌مرز معلمی کردند تا بعد از شهادت ایشان، این راز را بر همگان فاش ساخت که ملت ایران، شاگردان خوب «امام معلم» بودند.

**روش تعلیم از انباشتن معلومات تا تفکر محوری**

امام شهید به درستی دریافته بود که آفت بزرگ نظام‌های آموزشی متعارف، «حافظه محوری» و «انباشت اطلاعات» است. ایشان در دیدارهای هرساله‌شان با معلمان، نظام آموزشی موجود را به نقد و حتی آن را «غریب‌زده، تقلیدی، مبتنی بر باورها و مبانی پذیرفته‌شده در اروپا» توصیف کردند. از نگاه ایشان، هر تحول سیاسی و اجتماعی که در جامعه رخ می‌دهد، اگر با آموزش همراه نباشد، عمق و دوامی نخواهد یافت و صراحتاً اعلام داشتند که «تعلیم فقط این نیست که مجموعه‌ای از معلومات را در کاغذ بگذاریم و به دانش آموز بدهمیم و بگوییم بخوان؛ بعد هم بره‌ای از سال را معین کنیم تا باینجا امتحان دهند؛ این، تعلیم حقیقی نیست. تعلیم باید طوری باشد که ذهن را بسازد، مغز را فعال کند و در درجه اول، شوق به دانستن را در دل متعلم ایجاد نماید.» این دقیقاً همان تمایزی است که استاد شهید مطهری به نقل از امیرمؤمنان، میان «علم مسموع» (شنیداری – تقلیدی) و «علم مطبوع» (سرشتی – تحلیلی) ترسیم کرد. ایشان نیز با تکیه بر قرآن، میان «تزکیه» و «تزکیه» فرق می‌نهاد که تزکیه و پرورش انسان‌هایی با بصیرت و عقلانیت را بر مبنای همان چهارواژه کلیدی قرآنی «بَیْزِکَیْهِمْ وَیُعَلِّمُهُمِ الْکِتَابَ وَ الْعَمَکَ»، مقدم بر انباشتن معلومات می‌شمرد. به همین دلیل، جامعه را به «فکرکردن»، «تجزیه و تحلیل» و «قضایا و مستقل» دعوت می‌کرد و اجازه نمی‌داد که اطلاعات صرف، جانشین «تفکر محوری» شود. از منظر ایشان، اگر انسانی با ایمان و متعهد باشد ولی قدرت تحلیل و پردازش درست نداشته باشد، دیر یا زود در گرداب شبهات و فتنه‌ها اسیر خواهد شد. این نگاه، دقیقاً همان تمایز بنیادین الگوی تعلیمی ایشان با سایر الگوهای متعارف است؛ الگویی که در آن «عقلانیت انقلایی» با «واقع‌بینی سیاسی» و «معنویت جهادگونه» درهم می‌تند.

**بعثت‌امت؛ وعده‌ای که با خون معلم به تحقق نشست**

امام معلم، تعلیم را در سطحی به کار گرفت که آموزه‌هایی چون «بصیرت»، «مسئولیت‌پذیری» و «امید و اقع‌بینانه» را به هسته مرکزی تعلیم امت بدل کند. ایشان همواره تأکید داشت که نگاه واقع‌بینانه، خود رازنده امید و پویایی است

که ایرانیان به آن دست یافتند زیرساخت و زمینه تمام پیشرفت‌هایی بود که پس از آن تجربه کردند. مردم این راه را نزدیک به ۲۵ سال با آن روح الهی و اسوه خوبان روزگار و سرآمد پرهیزکاران دوران پیمودند تا نوبت به زعامت و پیشوایی خلف صالح و جانشین شایسته ایشان رسید.

ولی فقیه معلم و مراقب امامت ملت است. آنچه مردم ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دست آوردند امانت عظیمی بود که بردوش آنان قرار داده شد. حفظ، ارتقا و بقای این امانت امری خود به خودی و ناگزیر نیست. نگهداری و نگهداری از جمهوری اسلامی ایران تا اینکه تبدیل به نظامات ضدبشری رایج نشود، وظیفه‌ای دائمی و عمومی است، اما بیشترین مسئولیت و سنگین‌ترین وظیفه بردوش ولی فقیه قرار داده شده است. او همواره در تلاش است تا رفتارها و روندها چنان دنبال شود که مبدا خداوند این موهبت عظیم را از ملتی که هزاران سال راه را پیموده تا به این درجه رسیده، سلب کند. او خود برجسته‌ترین شاگرد امامت است و آنچه‌ان که خود فرموده ایستاده در خط مقدم، پیشگام پیشرفت جامعه‌ای که برگزیده شده است.

وقتی آثار سیدالشهدای انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای (قدس سره الشریف) را مرور می‌کنیم می‌بینیم که او در تمام مدت با همه امکاتی که در اختیار داشت تلاش کرد تا این مردم اتحاد را نه در شعار که در عمل بیاموزند. چگونه لوازیم آن فراهم کنند و فرآیندهای ائتلاف قلوب و اجتماع عقول و انسجام صفوف را کامل کنند. او به پیروانش آموزشت که چگونه از تفرقه و تشتت و روندهای پراکندگی بپرهیزند و منسجم و یکپارچه بمانند. او جامعه شدن و جامعه ماندن را به ما یاد داد. طی چند دهه با حلم و صبر و سعه صدر پیام‌برگونه ظرفیت‌های رشد را در میان ماکشف و آنها را تقویت کرد. وقتی فعالیت ۸۰ ساله او در تعلیم و تعلم را مرور می‌کنیم می‌بینیم که چگونه با نگاهی فراگیر و جامع امکان‌های امامت و پیشروی و پیشرفت مردم ایران را شناسایی و معرفی می‌کرد. با همین نگاه می‌دانست که ظرفیت‌های بالقوه زیادی در جامعه ایرانی وجود دارد که هنوز آشکار نشده است. او با هزار زبان و بیان ارزشمندی ذاتی این مردم را بازگو کرده بود. او طی هزاران خطبه در طول ده‌ها سال همواره قطعه‌های یک نقشه بزرگ را کنار هم می‌چید و لایه لایه آن را تمام می‌کرد و بنای تمدنی مد نظر خویش را که به دست ایرانیان بناست رقم بخورد، کامل‌تر می‌کرد. در زمانه‌ای که بسیاری از صاحبان کسوت علم و دانش امیدی به مردم ایران نداشتند و دانسته و نادانسته همسو با دیگران نامهربان و ستیزه جو ملت ایران را تحقیر می‌کردند، ولی فقیه شخصیت ممتازی بود که قدر و قیمت این مردم را دانست و برای فرهنگ مردم مقدمات شکوه تمدنی و کمال تاریخی آنان قیام کرد و در برابر تمام دنیا ایستاد و خود را در معرض انواع مصیبت‌ها و جسارت‌ها و ابتلائات تلخ و دردناک قرار داد و تمام دشمنی‌ها و حسادت‌ها و کینه‌ها و انکارها را به جان خرید تا حقیقتی را که پیش و بیش از همه دریافت‌شده بود آشکار و اثبات کند. ما در این ماه‌ها معلمی بزرگ را از دست دادیم. معلمی که به ما جامعه بودن را یاد می‌داد. مردمی ماندن را تعلیم می‌فرمود. امامتی را که به اجمال در میان ما محفوظ و محترم بود، به تفصیل در بین ما رایج کرد و مسیر انقلاب و تحول اساسی و بعثت اجتماعی را هموار ساخت. او معلم خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی بود. باور او به خدا و مردم و نظامی که آنان برپا کردند آرمان‌هایی که پیش رو داشتند از هر کس دیگر بیشتر و عمیق‌تر و راست‌تر و رساتر بود. او بی‌هیچ چشمداشتی تمام شخصیت ممتاز خویش را به زبان گفتار و رفتار درآورد و طی ده‌ها سال به ما هدیه فرمود.

دلمان برای معلمی تنگ است که شهیدانه زیست و شهید رفت تا ما بمانیم؛ تا ما برسیم؛ تا ما بمعوت شویم. سلام و درود بی‌پایان خدا بر او و بارانش. بادا که خون پاکش چراغ راه ما برای آینده باشد.



**معلمی که شهیدانه زیست و شهیدرفت**

## کرسی تعلیم امامت

داشت که نام او را در امتداد تبار تاریخی و چشم‌انداز تمدنی انبیا و اولیا قرار می‌داد و آن تعلیم امامت بود. کار انسان یا تعلم آغاز شد و «علم آدم الأسماء کُلِّها» و با تعلیم ادامه یافت. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنَّ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» و با امامت به کمال رسید. «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ذُرِّيَّتًا طَيِّبَةً وَآجَعِلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا». همچنان که انسان با امامت به کمال می‌رسد و دین با امامت به کمال می‌رسد و نعمت با امامت تمام می‌شود، جامعه نیز با امامت کمال خویش را خواهد یافت. نقطه آغاز خلیفه‌اللهی اگر موختن اسما است، سرانجام آن امامت است و اگر حقیقت امامت درعالی‌ترین قله‌هایش مختص ذوات مقدس پیامبروا امامان معصوم علیهم صلوات‌الله‌است، تجربه تفصیلی ادامه‌دهی گسترده آن رزق و روزی جامعه مومنان است.

پایمیران پرچمداران علم در تاریخ بشرند و جانشینان و وارثان ایشان ادامه‌دهنده راهی هستند که خداوند پیش روی برگزیدگانش ترسیم فرمود. از همان ابتدا جریان ضدالهی‌تکمین در برابر علم را ناهض اعمال زیاد خواهد بود، برتری‌طلبانه شیطنی خویش می‌دیدند، کاری جز این نداشتند که به انحای مختلف مانع جریان زلال



سعید توتوتکار آگاه مسائل فرهنگی

علم به یک معنی مجموعه‌همگن و هماهنگ الگوهایی از حقیقت است که می‌یابیم و با آن نظام و واقعیات را می‌سازیم. معلم کسی است که مسیر یافتن علم و مهارت به کار بستن آن را به ما می‌آموزد. جامعه از این منظر حاصل زنجیره‌های هم‌افزای سازو کارهای تعلیم و تعلم است و هر فرد به همان اندازه که سهمی در دریافت و پرداخت الگوهای نظام‌مند و نظام‌ساز دارد، شأن معلمی خواهد داشت.

در ماه‌های اخیر سوگوار کسی هستیم که پرچمدار علم در جامعه ما بود. او کسی بود که به علم و عالم و نظام تعلیم و تعلم ارزش محوری و مبنایی قائل بود. بارها از او شنیدیم که العلم سلطان و در طول سال و طی سالیان دراز شاهد بودیم که چگونه با تمام عزم و توان، پشتیبان و راهبر جریان علم و عمل در ایران است. خاطرات ما از آنچه راجع به عزت و عظمت دانش آموزی و مهارت‌آموزی و هنرورزی فرمود و دنبال کرد از شماره خارج است. او رهبر علم بود، اما آنچه اینجا و در این فرصت کوتاه می‌خواهم یادآوری کنم شأنی از معلمی است که او را از سایرین ممتاز می‌کرد و بر کرسی آسودگی می‌نشاند. هیچ‌گاه فراموش نخواهیم کرد که او نه تنها ایرانیان را که تمام مردم جهان را به علم و دانایی فرامی‌خواند. نگران زوال ارزش علم و شأن معلم در عصر حاضر بود. او باور داشت که دانش و خرد و وجدان اگر نتچنان که باید محترم شمرده شود، جهان جای بهتری برای زیستن خواهد بود. همان چیزی که با سلطه رژیم‌های دیکتاتورو مستکبرفقدان آن احساس می‌شود.

دیکتاتورها از علمی که اسیر آنان نباشد گریزانند. زیرا علم زیربنای عدالت است و واقعیات را نه بر اساس هوا و هوس اشخاص که بر اساس الگوهای برآمده از حقیقت می‌سازد و این چیزی نیست که مطلوب افراد یا گروه‌ها یا ساختارهای شیطنی باشد. آنان علم را گروگان می‌گیرند و عالم را مجبور می‌کنند تا خودخواهی‌هایشان را صورت‌بندی کند تا با فریب و دروغ به عنوان علم به خورد جامعه بدهند و مردم بدون مقاومت و آسان در برابر آن تسلیم شوند. ما از این پس برای سال‌ها غرق ماتم و حسرت از دست دادن مردی هستیم که تمام فرصت‌های راهبری خود را اندر احیای علم و انتشار آن و به کار بستن آن و ساختن بناهای تمدنی بر اساس مبانی علمی کرد. هیچ رهبری را نمی‌توان همچون او نشان داد که خود را وقف آموختن و آموزش کرده باشد. او باور داشت که ملت مستضعف و ستمدیده ایران و سایر ملت‌های مظلوم جهان تنها در صورتی به عزت و قدرت و اعتبار می‌رسند و می‌توانند در برابر نظامات ضد بشری سلطه‌گر رژیم‌های فاسد و مغفونی ایستند و بایستند و توان تغییر داشته باشند که علم در آنان به مرتبه ضرورت و اولویت رسیده باشد. در نگاه فاخر تمدنی او که عماره نگاه آسمانی دینی و خلاصه تجربه هزاران ساله زمینی بود، مردم نه بر اساس خودخواهی‌های خرد و کلان و استبداد‌های آشکار و پنهان و منبت‌های تفرقه‌افکن و امتیازهای مبتنی بر خواهش‌های نفسانی و فخرفروشی‌ها و جاه‌طلبی‌های مادی که با تکیه بر حقایق علمی و اعتماد به حقیقت و تواضع در برابر الگوهای حقیقی و کرد آمدن بر اساس آن به پیروزی و عدالت و آزادی دست خواهند یافت، اگر نه یا خود آلوده به ظلم و شریک ستم شده یا اسیر اراده و برانگیزالمان خواهند شد. اما با وجود همه این مقدمات حضرت آیت‌الله شهید سیدعلی حسینی خامنه‌ای (قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه) شأنی ممتاز



علی نصیریان، چهره ماندگار سینمای ایران؛

**ایران، ریشه‌دار است و از بین‌رفتنی نیست**

**بازخوانی الگوی تعلیم‌گری امام شهید در ساخت امت آگاه**

**امت صاحب رسالت**



سعید سپاهی

تحلیلگر امنیت شناختی

در میان همه نقش‌هایی که یک رهبر اجتماعی می‌تواند برعهده گیرد، «معلم بودن» شاید کم‌دعاترین اما اثرگذارترین جایگاه است؛ زیرا معلم، نه با فرمان و اجبار، بلکه با ساختن فهم، شکل‌دهی هویت و دمیدن معنا در جان انسان‌ها تاریخ را تغییر می‌دهد. تجربه انقلاب اسلامی نیز نشان داد که برخی رهبران، پیش از آنکه سیاست‌ورز باشند، آموزگارانِ تمدن‌سازند و امام‌شاهد- که طی ۳۷ سال بی‌وقفه جامعه را تعلیم داد- در همین جایگاه قابل فهم است. این یادداشت در محور «مختصات شأن تعلیم‌گری آقا چیست؟» می‌کوشد توضیح دهد چرا و چگونه تعلیم‌گری ایشان از سطح آموزش سیاسی فراتررفت و به سطح «بعثت‌سازی اجتماعی» رسید، یعنی فرآیند تبدیل یک جامعه پراکنده به «امت صاحب رسالت.»

نخستین خصوصیت الگوی تعلیم‌گری امام شهید، «هویت‌سازی» است؛ هویتی که نه برحافظه‌سپاری، بلکه براستخراج استعداد‌های درونی و ساختن شخصیت متکی است. این دقیقاً همان چیزی است که در بیانات ۲/۱۲/۱۴۰۳ دربارهٔ وظیفه معلم آمده است: «معلم فقط آموزنده علم نیست، پرورنده هویت دانش‌آموز است... شما دارید استعداد‌های بالقوه را استخراج می‌کنید.» در واقع، ایشان درسطح کلان با جامعه همان کاری را کرد که معلم با یک نوجوان: استخراج قوای نهفته، تعریف جایگاه فرد دریک نقشه بزرگ و بخشیدن اعتماد به نفس جمعی.

به همین دلیل است که درسال‌های دشوار، جامعه نه به‌واسطه شعار سیاسی، بلکه به‌واسطه احساس «نقش داشتن در حرکت ملی» پای کار ایستاد. این همان جوهرتعلیم‌گری ایشان است؛ تبدیل مخاطب به «فاعل»، نه «مستمع.»

ویژگی دوم، «عقلانیت توأمان با معنویت» است. تعلیم‌گری امام شهید نه احساسی و شعاری بود و نه خشک و صرفاً تکنوکراتیک. او همزمان سه سطح را به‌هم پیوند می‌زد: تحلیل واقعیت، افق معنوی و تکلیف عملی. درمتن بیانات ایشان، از ۱۳۷۹ تا ۱۴۰۵، این پیوند دقیق دیده می‌شود؛ ازیک سو تبیین شرایط واقعی کشور، ازسوی دیگر گشودن افق امید («الفای امید خدمت به آینده کشور است» ۱۲/۲/۱۴۰۳) و در نهایت تعیین وظیفه مشخص. این روش، با شیوه‌های رایج آموزش سیاسی که اغلب یا به‌تیرک احساسات متکی‌اند یا به آموزش‌های صرفاً دانشی، تفاوت ماهوی دارد. تعلیم‌گری ایشان عقلانیت را معدن معنویت و معنویت را موتور مسئولیت‌پذیری می‌کرد.

سومین نکته‌الگوی تربیتی ایشان، «مسئله‌محوری و جامعه‌محوری» است. امت امام شهید هیچ‌گاه احساسات متکی‌اند را به نصیحت‌های اخلاقی محدود نکرد؛ بلکه همواره کلاس تربیتی‌او با مسائل واقعی جامعه‌گره خورد. ازتوصیه به «امیدآفرینی»، «نگاه ملی»، «تشویق به فعالیت اجتماعی»، «مهارت‌آموزی» تا «ضرورت شناخت دشمن» و «فهم شرایط کشور»، همه نشان می‌دهد که آموزش‌های معطوف به ساختن انسان مسئول و کارآمد است؛ انسانی که درساحت اجتماع حضور دارد، نه انسانی منزوی. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که ایشان را از معلمان صرفاً ایدئولوژی‌با آموزش‌های کتابی متمایز می‌کند. تعلیم‌گری ایشان تربیت انسان حاضر درمحنت است؛ انسانی که می‌تواند بارآرد جامعه را بردارد.

چهارم، «تربیت به مثابه بعثت» است. محوراساسی تعلیم‌گری امام شهید این بود که تعلیم، مقدمه «تحول» است، نه هدفی در خود.

همین نگاه باعث شد بیانات، هشدارها و جهت‌دهی‌های ایشان طی دهه‌ها آموزش «آموزه‌های بعثتی» باشند. مسئولیت‌پذیری، آگاهی اجتماعی، مقاومت، امید و خودباوری. این مفاهیم فقط نصیحت نبودند؛ بلکه به‌تعبیرایشان «نقشه‌گسترده پیشرفت کشور» بودند که اگر هرخانه ازجدول آن برشود، جامعه به‌سوی تعالی حرکت می‌کند. نقش ایشان درسازمان است؛ این «بعثت اجتماعی» است. دقیقاً در همین توانایی بود تبیین نقشه، نشان دادن جایگاه مخاطب درآن و تحریک اراده جمعی برای حرکت.

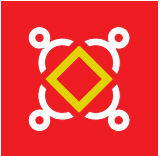
نهمین ویژگی، «تکریم نقش معلم» به‌مثابه بازوی بعثت‌سازی است. در ۱۳۹۳/۳ صریحاً فرمودند: «مقام معلم هرچه بالا برود، مقام تعلیم و تربیت بالا رفته است... نگاه تکریم‌آمیز به معلم، نگاه به آینده کشور است.»

این سخن را می‌توان در پیام حضرت آیت‌الله امام سیدمجتبی خامنه‌ای هم نه فقط تکریم صنفی، بلکه بخشی ازالهیات تربیتی ایشان مشاهده کرد؛ جامعه بدون معنویت، جامعه فاقد توان تربیت‌نسل آینده است و جامعه‌ای که نتواند نسل آینده را تربیت کند، عملاً آینده‌ای ندارد. از همین روست که ایشان در پیام ۱۱/۵/۲۰۱۴ تأکید کردند معلمان حلقه اصلی نبرد فرهنگی‌اند. این نگاه، معلم را ازکارمندآموزشی به «معنارساز» ارتقا می‌دهد. ششمین عنصر، «تربیت امید، نه امید ترثینی، بلکه امید به منزله نیروی محرکه» است. امید درالگوی ایشان یک تاکتیک روانی نیست، یک «اصل تربیتی» است که اگر فروریخت، هیچ ساختاری آرام‌ند نخواهد ماند. وقتی معلم یا رهبر ناامیدی منتقل کند، عملاً قدرت فعالیت‌نسل جوان را می‌گیرد. به همین دلیل، ایشان در ۱۲/۲/۱۴۰۳ هشدار داده‌اند که حتی اگر معلم نقطه‌ضعفی درخن دارد، «لرزمی ندارد؛ آن را منتقل کند» زیرا ناامیدسازی «خلاف خدمت به آینده کشور» است. این موضع، وجهی و نهایی، «تعلیم به‌مثابه مشارکت و زنده نگه‌داشتن عریان تربیت.» امام شهید بارها تأکید کردند که جریان تربیت باید از مدرسه و کلاس به خانه، مسجد، رسانه، محیط کارو عرصه اجتماعی سرریز شود.

و همچنین حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای هم در پیام ۱۱/۲/۱۴۰۵ بر «تعامل خانواده‌ها در اراده مدارس»، «تقویت مهارت‌آموزی در مدرسه»، و «پشتیبانی مردم از معلمان» تأکید کردند، ناظر به همین حقیقت است؛ تربیت یک مسئولیت جمعی است. معلم تنها، هرچقدر توانمند باشد، نمی‌تواند جامعه بعثت‌ساز بسازد؛ اما جامعه‌ای که همه خود را درکنار معلم ببینند، قادر به ساخت تمدن‌ساز خواهند بود. درجمع‌بندی می‌توان گفت؛ تعلیم‌گری امام شهید الگویی است که سه سطح را همزمان دربرمی‌گیرد؛ ساختن هویت فرد، ساختن مسئولیت اجتماعی، ساختن افق تمدنی.

این الگو نه تنها یک شیوه آموزشی که یک «نقشه بعثت فرهنگی» است.

اگر این شیوه در نسل‌های بعد جریان پیدا کند، با تکریم واقعی معلم، پیوند خانواده و مدرسه، امیدآفرینی، مهارت‌آموزی و میدان دادن به جوانان - جامعه ایران می‌تواند مسیر پیشرفت خود را با سرعت و ثبات بیشتری ادامه دهد. این میراث تربیتی، امروز بیش از هر زمان دیگر محتاج بازخوانی خلاقانه و اجرای دقیق است؛ زیرا معلم بعثت‌ساز، تنها یک شخص نیست؛ یک راه، یک روش و یک نقشه است.



## پرونده ویژه

پنج‌شنبه / ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ / شماره ۵۳۴



# مدرسه «تکلیف» و «خودسازی» معلمی که بعثت را تکرار کرد

خامنه‌ای، شکلی نظام‌مندتر و عملیاتی‌تر به خود گرفته است. ایشان بر این باور بودند که تربیت واقعی، فرآیندی است که از کودکی آغاز شده و تا کنهسالی ادامه می‌یابد؛ فرآیندی که انسان را برپایه‌های ارزش‌های الهی، اخلاقی و انقلابی بنا می‌کند. این «کارخانه» مواد خامی «استعداده‌ها و ظرفیت‌های درونی انسان» است و محصولانش، «انسان‌هایی مومن، انقلابی، مسئول و کنش‌گر»

این «کارخانه»، نه تنها به دنبال دانش افزایی، بلکه در پی «تبدیل» و «تحول» است. پرورش اخلاق، تعمیق معرفت، تقویت عقلانیت و آموختن نوع زیستن، ارکان اصلی این فرآیند هستند. امام خامنه‌ای تأکید داشتند که این تربیت باید «جامع» باشد؛ یعنی تمام ابعاد وجودی انسان عقل، دل، جسم، روح را دربر بگیرد. همچنین، این تربیت باید «پیوسته» و «همسو» با نیازهای روز جامعه باشد و بتواند انسان را برای مواجهه با چالش‌های گوناگون، از مبارزه با نفس گرفته تا دفاع از ارزش‌های انقلاب، آماده سازد. این نگاه، جامعه را به یک «میدان» تبدیل می‌کند که در آن، هر فرد احساس می‌کند نقش و مسئولیتی مشخص دارد. «کارخانه انسان‌سازی» با فراهم آوردن ابزارها و جهت‌دهی صحیح، افراد را قادر می‌سازد تا در این میدان، «میدان‌دار» باشند؛ نه صرفاً تماشاگر که تحقق عینی آن را در این شب‌ها با بیش از ۶۰ شب مجاهدت و حضور در میدان ملت مشاهده می‌کنیم.

#### امت تکلیف‌گرا، روح جاری در کالبد جامعه

محور اصلی در منظومه فکری شهید امام خامنه‌ای، شکل دهی به «امت مسئول و تکلیف‌گرا» است. ایشان معتقدند که اساس یک جامعه پویا و بالنده، در گرو باور عمیق افراد به وظایفشان است. این «تکلیف‌گرایی» نه از جنس اجبار و دستور، بلکه ناشی از «شناخت»، «بصیرت» و «تعهد درونی» است.

درنگاه رهبری، جامعه‌ای که برپایه «تکلیف» یا شده باشد، همواره در مقابل انحرافات، فساد و تباهی‌ها هوشیار است. چنین امتی، خود را موظف به حفظ ارزش‌ها، دفاع از حق و تلاش برای تحقق آرمان‌های انقلاب می‌داند. این روحیه، همان روحیه «جهاد» است که در ایجاد گوناگون زندگی فردی و اجتماعی نمود پیدا می‌کند. وقتی از «امت تکلیف‌گرا» سخن می‌گوییم، منظور، جامعه‌ای است که در آن، هر فرد احساس کند بخشی از یک «رسالت بزرگ» است. این احساس مسئولیت، مانع بی‌انفعال، بی‌تفاوتی و بیانه‌تراشی می‌شود. امام خامنه‌ای شهید با تأکید بر این مفهوم، سعی در تبیین این نکته داشتند که پیشرفت واقعی، زمانی حاصل می‌شود که شهروندان، نه فقط در انتظار دستور، بلکه در صف اول انجام وظایف خود بایستند. این همان پیام بعثت است؛ مردم، خود مسئول هدایت خویشند.

### بنیانگذاری یک مکتب تربیتی

## مَدْرَس امام شهید؛ تکوین اراده و ایمان در میقات بعثت

که چگونه می‌توان این جریان تربیتی مبارک را به نسل‌های آینده که فیض حضور فیزیکی ایشان را درک نکرده‌اند، منتقل کرد؟ ضرورت «بازخوانی خلاقانه» و «ترجمه عملیاتی» تعلیم امام شهید، امروز بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. میراث ایشان نباید در لایه‌های غلیظ تجلیل‌های رسمی، کلیشه‌های رسانه‌ای و پوست‌های تقویمی منجمد شود. برای آنکه این تعلیم، همچنان زنده و جاری باقی بماند، نهاد‌های آموزشی، حوزه‌های علمیه و رسانه‌های تمدن‌ساز موظفند «دکترین معلمی» ایشان را از میان هزاران ساعت سخنرانی و مکتوبات، استخراج و به زبان هنر، درام و استدل‌های مدرن بازتولید کنند. ما نیازمند تدوین نظام‌نامه تربیتی برآمده از سیره عملی ایشان هستیم تا نوجوانی که در دهه پنجم انقلاب با به عرصه اجتماع می‌گازرد، خود را نه یک مخاطب منفعل، بلکه حلقه‌ای از همان زنجیره طلایی «بعثت» ببیند که امام شهید برای پیوند زدن زمین به آسمان بافته بود. تأثیرگذارانی این معلم بزرگ برمدیران و نخبگان، منجر به شکل‌گیری جریان‌ی از مدیریت جهادی، شد که بن بست‌شکنی را از ایشان آموخته بود و تأثیرایشان بر جوانان، منجر به رویش نسل‌هایی‌شد که در علم و معنویت، پیشازد جهان اسلام نشدند. اینها همگی نمرات مدرسی‌است که در آن، ایمان به غیب با پیشرفت تکنولوژی و تعبد مذهبی با نشاط سیاسی جمع شده بود. امام شهید به ما آموخت که «هویت ملی» بدون «ایمان مذهبی»، «پیشرفت مادی» بدون «عدالت خواهی»، کالبدی بی‌روح است. ایشان در آخرین پیام‌ها و جهت‌دهی‌های خود، به‌ویژه درموضوع کشورهای همسایه و «هم‌سروشنی امت» عمق نگاه جهانی خود را به رخ کشیدند، نشان دادند که تعلیمات ایشان محدود به مرزهای جغرافیایی نیست. امروز، تداوم این مسیر نورانی در گرو آن است که نخبگان فرهنگی ما، شأن آموزگاری آقای شهید را برای بقای انقلاب و آمادگی برای ظهور خورشید عظمای ولایت است. کلاس سر امام شهید همچنان باز است و طنین صدای حکیمانه او که ما را به قوی شدن، امیدوار بودن و ایستادگی فرا می‌خواند، در گوش تاریخ ماندگار خواهد بود؛ صدایی که هر روز ما را به بعثت نو فرا می‌خواند تا در تراز سربازی حضرت ولی عصر (عجل‌الله فرجه) قدم بکشیم. ما همان دانش‌های تئسیحی هستیمی اگر در رشته‌تعالیم این معلم بزرگ بند نشویم، در تندباد حوادث آخرالزمان پراکنده خواهیم شد؛ اما به اعتبار آن سرشته‌تورانی، تا رسیدن به ساحل ظهور، در آرای نخواهیم نشست.



سعیدعلی عسگری

آگاه مسائل فرهنگی

در هیاهوی زمانه، گاه ندای بعثت دوباره شنیده می‌شود، نه از غاری در دوردست، بلکه از دل مدرسه‌ای ساده، خانه‌ای بی ادعا و مهم‌تر از همه، از کلام رهبری که راه پیامبران را در عصر ما ادامه می‌دهد. امام خمینی (ره) معلمی بود که با «خودسازی» و «تکلیف‌مداری»، کارخانه انسان‌سازی را دوباره راه انداخت. اما این میراث چگونه در مکتب امام خامنه‌ای شهید تداوم یافته و عمق بیشتری یافته‌است؟ ایشان این مفهوم «بعثت‌سازی» و «انسان‌سازی» را چگونه در راستای اهداف انقلاب و تعالی جامعه پی گرفته‌اند؟

#### بعثت‌سازی فراتر از یک شعار، یک منظومه فکری است

رهبر انقلاب، «بعثت‌سازی» را نه یک واقعه تاریخی، بلکه یک فرآیند مستمر و یک الگوی تربیتی برای جامعه می‌دانستند. ایشان با ظرافت، این مفهوم را از محدوده صرف «پیامبری» فراتر برده و به «ایجاد تحول بنیادین در انسان‌ها» تعمیم داده‌اند. این نگاه، مبتنی بر این اصل است که هر جامعه‌ای برای رسیدن به قله‌های پیشرفت و استقلال واقعی، نیازمند انسان‌هایی است که روحیه «بعثتی» داشته باشند؛ یعنی آمده پذیرش حقیقت، تحول‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و ایستادگی در برابر باطل.

در مکتب امام خامنه‌ای شهید، «بعثت‌ساز» بودن، به معنای به‌ هدایت یک جریان تربیتی جامع است. این جریان، صرفاً انتقال دانش نیست، بلکه پرورش روح، تعمیق باور و تقویت اراده برای عمل است. رهبری، خود در این مسیر، نقش معلم بعثت‌ساز را ایفا می‌کردند؛ کسی که با الهام از هدایت‌الهی، انسان‌ها را به سوی شکوفایی استعداد‌ها، درک عمیق‌تر از وظایف و تلاش برای ساختن جهانی بهتر هدایت می‌کند. این فرآیند، نیازمند «مدل‌سازی» و «الگوآفرینی» است تا افراد بدانند چگونه در دنیای پیچیده امروز، رسالت خود را ایستابند و به سرانجام برسانند.

#### کارخانه انسان‌سازی؛ آجر به آجر، بنای انسانیت

منطق «کارخانه انسان‌سازی» که از امام خمینی (ره) به یادگار مانده، در نگاه امام



## پرونده ویژه



**سجاد انجم‌شعاع**

**آگاه مسائل سیاسی**

در منطق انقلاب اسلامی، معلم، فاعل تاریخ‌ساز تربیت و مربی انسان تمدنی است و ما اگر این را به‌عنوان یک اصل موضوع بپذیریم، آنگاه می‌توان به خوانشی عمیق‌تر از ساحت رهبر شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به‌عنوان معلم امت دست یافت.

برای فهم هندسه فکری رهبر شهید، باید در گام نخست به معرفت‌شناختی ایشان در خصوص جایگاه و کارویژه معلم رجوع کرد. ایشان با عبور از نگاه‌های بروکراتیک و مادی، معلمی را در امتداد یک رسالت تاریخی و الهی تعریف می‌کردند. «وَرَبِّهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»، در عمق این گزاره، کارآینا و به تبع آن کار معلم، نامیده می‌شده؛ مفهومی که امروز در پوشش علمی‌تر، جنگ شناختی گفته می‌شود. یک تمدن در حال تکوین، نقش آفرینی کرده است. بدین معنا، معلم در نسبت با جامعه، مأموریتی دوگانه دارد؛ هم ساختن ذهن و هم ساختن جان. اگر این دوگانه را به سطح کلان منتقل کنیم، می‌توان گفت رهبر شهید، در مقام معلم امت، هم به تولید دستگاه معرفتی برای انقلاب اسلامی پرداخته و هم به تولید هویت جمعی آن.

رهبر شهید، در طول ۳۷ سال، این مدرسه انقلاب را در سطح مختلف جامعه سبط داده است. نخستین سطح، نخبگان فکری و علمی است. در این حوزه، ایشان با تأکید مستمر بر تولید علم، خودباوری علمی و عبور از مرجعیت معرفتی غرب، نوعی استقلال فکری را بنیان نهادند.

سطح دوم، بدنه جوان و دانش آموزی است که در ادبیات ایشان، کانون اصلی هویت‌سازی به‌شمار می‌آید. تأکید مکرر بر اینکه تشکیل هویت نسل جدید به دست معلم است، نشان دهنده درک عمیق ایشان از نقش تعلیم و تربیت در بازتولید نظم اجتماعی است. در این سطح، رهبر شهید، از طریق تبیین تعالیمی چون هویت مستقل ملی و دینی، اندیشه ورزی، مشارکت اجتماعی و ایمان، در واقع به طراحی یک الگوی انسان تراز انقلاب پرداخته است. این الگو برای انسانی است که درک می‌کند درس خواندن او جزئی از حرکت جمعی پیشرفت کشور و تمدن اسلامی است.

سطح سوم، توده مردم است که در تحلیل‌های رایج کمتر به آن توجه می‌شود.

رهبر شهید، با خطابه‌های عمومی، نام‌گذاری سال‌ها و تبیین‌های کلان اقتصادی و فرهنگی، در واقع یک فرآیند آموزش عمومی را هدایت کرده است. برای مثال،

تبدیل تعالیمی چون اقتصاد مقاومتی یا جهاد تبیین به گفتمان‌های فراگیر،



**تدریس در مدرسه انقلاب**

## مدرسه‌ای به وسعت یک امت

نشان دهنده آن است که ایشان چگونه مفاهیم پیچیده را به دانش عملی اجتماعی تبدیل می‌کنند. اما شاید مهم‌ترینشان آموزگاری رهبر شهید، در طراحی نسبت میان تعلیم و تمدن باشد. در بیانات ایشان، معلم پایه‌ریز تمدن نوین معرفی می‌شود؛ این تعریف ایشان، حاوی دلالت‌های نظری مهم است که در کتب و مقالات کثیری از اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی تحلیل و تفسیر شده است. اما «مدرسه انقلاب» که امام را حبل نبیانش نهاد و امام شهید راهبری‌اش می‌کرد، مدرسه‌ای بود به وسعت یک امت؛ نه محدود به دیوارهای کلاس درس، نه منحصر به نسل و طیف خاص. در این مدرسه عظیم، هر قشر از جامعه درس ویژه خود را می‌آموخت. برای جوانان، تعلیم از جنس هویت‌سازی بود. در دیدارهای متعدد با دانش‌آموزان و دانشجویان، که در مجموع صدها نشست مستقیم و چهره‌به‌چهره بود. بیسته تأکید می‌کردند: «اول چیزی که لازم است در دانش‌آموز در نظر بگیریم این است که در او هویت مستقل ملی و دینی به وجود بیاوریم.» این یک پروژه تربیتی بلندمدت بود با هدف واکنشیه کردن نسل در برابر آنچه در ادبیات رهبر شهید تهاجم فرهنگی نامیده می‌شده؛ مفهومی که امروز در پوشش علمی‌تر، جنگ شناختی گفته می‌شود. جامعه‌ای که بیاورد چگونه فکر کند و مفاهیم جریان‌ساز و عمل‌ساز چون ایمان و اندیشه‌ورزی در ساختار شناختی‌اش رسوخ کند. در برابر تهاجمات پیچیده رسانه‌ای شکست‌ناپذیر خواهد بود.

برای نخبگان و دانشگاهیان، درس از جنس استراتژی علمی بود. رهبر شهید در دوره‌ای که غرب‌زدگی آگامیک، دانشگاه‌های ایران را به ایستگاه‌های انتقال دانش از مراکز علمی غرب تبدیل کرده بود. از اساتید و پژوهشگران خواست که تولیدکننده دانش بومی باشند. رشد انفجاری علمی ایران در دهه‌های اخیر، از جمله در حوزه‌های هوافضا، پزشکی، نانوفناوری و علوم هسته‌ای، شاهدهی بر اثربخشی این آموزش راهبردی است.

برای مسئولان و کارگزاران نظام، آموزش از جنس مکتب مقاومت بود. اصل «ما می‌توانیم» که ایشان در دهه ۷۰ در برابر فضای تسلیم‌گرایانه‌ای که توسعه را منوط به مصالحه با غرب می‌دانست، تدریس می‌کردند.

رهبر شهید در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، که به تعبیری دقیق یک منشور تربیتی بود. آشکارا اعلام کرد که اعجازات انقلاب اسلامی بدون حضور یک معلم و مربی انقلابی که ریشه در ولایت دارد قابل تصور نیست. در همین بیانیه، ایشان درس‌هایی از تاریخ، اقتصاد، اخلاق، علم، و سیاست خارجی، تکالیفی هشت‌گانه برای جوانان کردند.

شیوه تعلیم رهبر شهید نیز خود منحصربه‌فرد بود. در دیدار با معلمان در اردیبهشت ۱۳۹۶ گفتند، قدرت و قوت و اعتبار و آبروی یک کشور، بیش از همه چیز به نیروی

انسانی آن کشور است... نیروی انسانی را چه کسی درست می‌کند؟ معلم، ه قدرت واقعی ملت‌ها در کیفیت انسان‌های نهفته که معلمان می‌سازند. ایشان در دیدار با معلمان در سال ۱۳۹۸ این نگاه را به‌ب‌اوج تئوریک رساندند: «معلمان پایه‌ریز تمدن نوین هستند، چون نیروی انسانی شایسته اگر نباشد، تمدنی به وجود نخواهد آمد.» ایشان در دیدار با اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان در سال ۱۳۹۵، با تبیین دوگانه اسلام و استکبار در حوزه تربیت، آشکار کردند که رقیب اصلی در میدان فرهنگی همان نظام سلطه‌ای است که از طریق اسناد و توصیه‌های به‌ظاهر علمی بین‌المللی، مدل‌های تربیتی خود را با پوشش‌هایی فریبنده چون مهارت‌آموزی، عدالت‌جستجویی، دوستی با محیط‌زیست و حیوانات، بر ملت‌ها تحمیل می‌کند. این هوشمندی، ممیز آموزگاری بود که هم درس می‌داد و هم دشمن درس را هم می‌شناخت و می‌شناساند.

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت:

**تمام ارکان نظام به دنبال صلح عزتمندانه و پایدار در منطقه هستند**

**پنج‌شنبه/ ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ / شماره ۵۳۶**

**خوانشی تحلیلی از منظومه تربیتی امام شهید**

## درافق بعثت



**یوسف پورجم**

**آگاه مسائل سیاسی**

شاید یکی از حجاب‌های مفهومی عصر ما، خلط میان «تعلیم» و «اعلام» باشد؛ اینکه هر ابلاغ معرفتی را تعلیم بپنداریم و هر کنرت گفتار را قرینه‌ای بر اثر تربیتی تلقی کنیم، حال آنکه در منطق قرآنی، تعلیم آنگاه تحقق می‌یابد که کلمه، از مرتبهٔ اخبار عبور کرده و به مرتبهٔ احداث و تحول در ساحت ادراک و ارادهٔ انسان برسد. با این ملاحظه، تأمل در شأن آموزگاری امام شهید، صرفاً بازخوانی نقش یک خطیب، مدبری یا نظریه‌پرداز سیاسی نیست؛ سخن از شخصیتی است که طی سالیان متمادی، با نوعی از فعل تکذیری مستمر، در هندسهٔ ادراک جمعی تصرف کرد و از رهگذر این تصرف، امکان ساختار اجتماعی‌اش را فراهم ساخت.

میان «تعلیم» و «تکذیر» در دستگاه مفهومی حکمت اسلامی نسبتی وثیق برقرار است. معلم حقیقی، واضع حقیقت در جان متعلم نیست، بلکه مدفکر آن حقیقتی است که در ساحت فطرت او و به‌دوابع نهاده شده و در غبار عادات، غفلت‌ها و حجاب‌های تاریخی مستور مانده است. از این منظر، شأن آموزگاری امام شهید را نمی‌توان در سطح خطابه‌های سیاسی یا مواضع راهبردی فهم کرد؛ بلکه باید آن را ذیل نوعی فعل تکذیری و رباعی خواند که غایت آن، احیای خودآگاهی تاریخی امت بود. او پیش از آنکه جامعه را به کنش سیاسی دعوت کند، افق ادراکی جامعه را بازسازی می‌کرد تا اساساً امکان کنش واجد معنا پدید آید.

شاید اگر بخواهیم از میان مؤلفه‌های متعدد منظومه تربیتی ایشان، بر چند مفهوم کانونی انگشت بگذاریم، نخستین آن «مسئولیت‌مندی وجودی» است. در تلقی رایج، مسئولیت غالباً به منزله تکلیفی بیرونی و الزامی ساختاری فهم می‌شود، اما در بیانات امام شهید، مسئولیت‌نحوی از بودن در عالم است و انسان مسئول کسی است که نسبت خود را با تقدیر تاریخی خویش ادراک کرده و از حالت انفعال نسبت به وقایع خارج شده است. آنچه هم که طی این سالیان در تذکرات و بیانات ایشان به کرات تکرار می‌شد- از دعوت به حضور، مطالبه‌گری، مجاهدت، تولید، خودسازی و کنش اجتماعی- در واقع اجزای یک پروژه کلان برای استقرار همین خودآگاهی مسئولان بود.

اما مسئولیت بدون بصیرت، به شتاب‌زدگی و کنش‌های سطحی فرو می‌غلند. از همین‌رو، دومین رکن تعلیم‌گری ایشان، تربیت قوه تمیز تاریخی در جامعه بود.

بصیرت در منظومه فکری امام شهید، نوعی قوه تشخیص نسبت میان ظاهر حوادث و باطن جریانات به‌شمار می‌رفت؛ نوعی عبور از سطح پدیدار به لایه‌های علی و سنیّ. اصرار مستمر ایشان بر فهم صحنه، تشخیص دوست و دشمن، پرهیز از غفلت نسبت به سنن الهی در تاریخ و دعوت به قرائت‌تمدنی از تحولات، درحقیقت تلاشی برای ارتقای دستگاه ادراکی جامعه از سطح واکنش‌های هیجانی به مرتبه تأمل راهبردی بود.

با این همه، اگر تعلیم در همین دو سطح باقی می‌ماند، نهایتاً به نوعی ریاضت سنگین تاریخی می‌انجامید که فرسودگی اجتماعی را در پی داشت. نقطه تمایز بنیادین این منظومه تربیتی، دقیقاً در همین جاست یعنی پیوند وثیق مسئولیت و بصیرت با «رجاء تاریخی». شاید یکی از عمیق‌ترین و در عین حال کمتر فهم‌شده‌ترین تعالیم امام شهید، بازتعریف مفهوم امید بود. امید



**امید آفرینی رهبر شهید انقلاب و ابطال نگاه مایوس جریان روشنفکری**

## پیشقراول امید آفرینی



**محمد عرفان‌خانی**

**آگاه مسائل اندیشه**

رهبر شهید انقلاب همواره تأکید ویژه‌ای بر لزوم امیدآفرینی و پرهیز از یاس و ناامیدی داشت و افکار قشر خواص و نخبگان کشور را به این سمت هدایت می‌کرد.

ایشان در سال‌های اوایل پسین حیات خود می‌فرمود، یک توصیه مهم من به همه کسانی که توانایی سخن گفتن با مردم را دارند و رسانه در اختیارشان است- چه در فضای مجازی، چه در مطبوعات، چه در صدا و سیما- امید آفرینی است. دشمن سعی می‌کند جوان‌های ما را ناامید کند، ما باید متقابلاً امید آفرینی کنیم. مسائل امروز را در کشور کم نیست... همه موظفند امید آفرینی کنند، این را جدی بگیرید. ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

در سال‌های متمادی رهبری آیت‌الله خامنه‌ای که جریان روشنفکری داخلی همگام با محافل رسانه‌ای خارج نشین دائماً در پی القا یاس و ناامیدی بود و وضعیت جاری کشور را بن بست محض تلقی می‌کرد، رهبری نظام از عواقب مخاطره‌آمیز ترویج یاس و بن‌بست‌نمایی آگاه بود و با تعلیم امیدآفرینی می‌کوشید تا جامعه نخبگانی کشور را با شوق و امید ملی پیوند دهد.

اگرچه در طول این سال‌ها جریان روشنفکری به بهانه گریزناپذیری تصویر سیاه آینده از پذیرش رسالت ملی امیدآفرینی طفره می‌رفت و هیچ چشم‌انداز روشنی برای آینده انقلاب و کشور متصور نبود اما جنگ اخیر قنایت‌نگرش امیدوارانه رهبر شهید را در تصویر کشید و بطلان نگاه مایوس و سیاه جریان روشنفکری را برهه آشکار کرد.

جریان روشنفکری معتقد بود ایران به واسطه تقابل‌گرایی جمهوری اسلامی در وضعیت وخیمی قرار گرفته و با تداوم سیاست‌های جمهوری اسلامی، نمی‌توان نگاه امیدوارانه داشت و آینده روشنی برای کشور تصور کرد. به عنوان مثال حاتم قادری، عضو هیات علمی سابق دانشگاه تربیت مدرس و از روشنفکران سیاسی گذرطلب می‌گفت کشور، در وضعیت وخیم انبساط‌ناپذیر قرار گرفته و حاکمیت تمام گلوگاه‌های ایجاد کنش‌های رفخ انبساط را بنه است و در صورت تداوم جمهوری اسلامی، آینده سهمگینی انتظار ایران را می‌کشد، به طوری که هر وضعیت‌ی حتی جنگ و نابودی، از تداوم جمهوری اسلامی بهتر است!

یا مهدی نصیری، سردبیر سابق روزنامه کیهان و چهره رادیکال جریان گذرطلبی می‌گفت جمهوری اسلامی دچار خودبراندازی شده و ایران آستانه فروپاشی قرار گرفته است! البته نمی‌توان به حاتم قادری و مهدی نصیری اشاره کرد و از یادآوری محمد ماجور سربازند.

کسی که مدعی بود با تداوم وضعیت جمهوری اسلامی و وقوع جنگ، ایران ضربه سختی خواهد خورد؛ یا زعم محافل روشنفکری، ایران طی سال‌ها آستانه مداوم جمهوری اسلامی به لبه پرتگاه رسیده بود و وقوع مجدد جنگ نقطه پایان این ماراتن بود. اما در نهایت جمهوری اسلامی نه تنها ایران را با آینده سیاهی

# ۵



در این دستگاه، نه خوش بینی روان شناختی و نه تعافیل نسبت به دشواری‌ها، بلکه نحوی شوهد سنی نسبت به حرکت تاریخ در افق تحقق وعده الهی است. از این منظر، امید، محصول تحلیل واقع بینانه‌ای است که در دل تراحمات و ابتلائات، امکان گشایش را می‌بیند.

و دقیقاً در همین نقطه است که خوانش رایج از نقش تربیتی ایشان دچار خطا می‌شود. بسیاری گمان می‌کنند ایشان جامعه را صرفاً به مقاومت در برابر تهدیدها فرامی‌خواند؛ حال آنکه مقاومت در منظومه تربیتی او، یک تاکتیک دفاعی نبود، بلکه صورت عینی نوعی انسان‌شناسی و تاریخ‌فهمی خاص بود. مقاومت، ترجمان عملی این باور است که انسان مؤمن، محکوم جبر مناسبات سلطه نیست و می‌تواند با اتکا به ست‌های الهی، در تاریخ تصرف کند. از این حیث، آنچه او تعلیم می‌داد، پیش از آنکه مجموعه‌ای از توصیه‌های رفتاری باشد، نوعی بازسازی هستی‌شناسی اجتماعی بود؛ بازسازی تصویری که جامعه از خود، از دشمن، از آینده و از نسبت خویش با اراده الهی دارد.

ثمره چنین تعلیمی، شکل‌گیری امت آگاه و کنش‌گری بود که از حالت توده منفعل خارج شده و به فاعل تاریخی بدل می‌شود. این همان بعثت اجتماعی است که می‌توان آن را مهم‌ترین دستاورد تربیتی امام شهید دانست. بعثت، در اینجا نه به معنای آغاز یک حرکت دفعی، بلکه فرآیند مستمر بیدارسازی و استکمال جمعی است؛ حرکتی که طی آن، جامعه از حوضی مصرف‌کنندگی معرفتی و انفعال تمدنی، به مرتبه تولید معنا و کنش تاریخی ارتقا می‌یابد.

اکنون مسئله اصلی، نه صرفاً توصیف این شأن آموزگاری، بلکه امکان امتداد آن است. خطر بزرگ در مواجهه با چنین شخصیت‌هایی، تبدیل میراث تربیتی آنان به مجموعه‌ای از نقل قول‌ها و مناسک یادبود است؛ حال آنکه تعلیم‌گری امام شهید، مادامی زنده خواهد ماند که به‌مثابه یک «منهج» بازتولید شود. این بازتولید، مستلزم آن است که نهادهای علمی، حوزوی و فرهنگی، از قرائت مناسکی و تجلیل‌محور عبور کرده و به استسطاق روشمند منظومه تربیتی ایشان روی آورند؛ منظومه‌ای که هنوز ظرفیت‌های تفسیری فراوانی برای مواجهه با مسائل آینده جامعه در خود نهفته دارد.

اگر در هفته‌معلم از شأن آموزگاری امام شهید سخن می‌گوییم، مسئله درحقیقت امر صیات از یک سنت تربیتی است که می‌تواند در میانه آشفتگی‌های معرفتی و بحران‌های هویتی عصر جدید، همچنان منشأ بعثت و بیداری باشد و اگر این سنت، به هر دلیل، در راه‌های مصرف‌رسانه‌ای و حافظه مناسکی مستحبل شود، آن‌گاه جامعه، بیش از آنکه یک معلم را از دست داده باشد، امکان یادگیری تاریخی خویش را از کف داده است.

## آموزگاری که کلاس درسش

## تمام ایران بود

<div>فاطمه حسین پور</div>
آگاه مسائل اندیشه
<span></span>

همه ما وقتی کلمه «معلم» را می‌شنویم، ناخودآگاه تصویر یک کلاس درس، تخته سیاه و صندلی‌های ردیف را در ذهنمان می‌آوریم، اما وقتی صحبت از امام شهید به میان می‌آید، این تصویر به کلی تغییر می‌کند. ایشان معلمی نبود که فقط دانش را از کتاب به مغز شاگرد منتقل کند، ایشان معلمی بود که «بودن» و «زیستن» را در درس می‌داد. معلمی که کلاس درسش، از کچه‌های خاکی محله‌ها گرفته تا دیوان خانه‌های قدرت و از جمع جوانان پرشور گرفته تا نشست‌های نخچیان را دربر می‌گرفت.

اگر بخواهیم به دقت بررسی کنیم، تعلیم‌گری امام شهید یک «عقلانیت» ساده نبود، بلکه یک «سبک زندگی» و یک «رهبری تربیتی» بود. ایشان در طول ۳۷ سال، با هر سخن، هر تذکر و حتی با هر سکوت راهبردی‌شان، داشتند به جامعه می‌گفتند که انسان چگونه باید در برابر سختی‌ها ایستادگی کند. ایشان در لایه‌های مختلف جامعه، با زبان‌هایی متفاوت، نقش آموزگاری ایفا کردند. در لایه نخست، با مردم عادی، زبانی ساده و از جنس خود مردم داشتند تا «آگاهی عمومی» را در سطح جامعه بنا کنند. اما در لایه دوم، با نخچیان و مدیران، بحث برسر «تربیت مسئول» بود؛ جایی که ایشان به مدیران یاد دادند که مدیریت، نه یک امتیاز برای خود خواهی، بلکه یک امانت الهی برای خدمت به امت است. این همان تفاوت بزرگ میان یک «کارگزار سیاسی» و یک «رهبر تربیتی» است. اما چه چیزی در آموزش‌های ایشان نهفته بود که با عث شد یک ملت تحت فشار، به یک «امت‌کنش‌گر» تبدیل شود؟ پاسخ در آن پیوند میان «معنویت» و «واقع‌گرایی» است. امام شهید به ما آموختند که ایمان، چیزی نیست که فقط در اعتکاف‌ها و سجده‌ها معنا پیدا کند، ایمان یعنی وقتی در میدان زندگی و سیاست هستی، با عقل، هو شیاری و با تکیه بر خدا، حق را طلب کنی. ایشان با تزریق مفاهیمی چون «بصیرت»، «مسئولیت‌پذیری» و «مقاومت»، در واقع داشتند زیربنای یک «بعثت اجتماعی» را می‌ساختند، یعنی بیداری جمعی که دیگر اجازه نمی‌دهد کسی سرنوشتش را تعیین کند. ایشان به ما یاد دادند که «امید» بلکه یک احساس روحی ساده باشد، بلکه باید یک «استراتژی زندگی» باشد؛ یعنی در اوج سختی، امید داشتن، عین عقلانیت است.

یکی از مختصات متمایز شان تعلیم‌گری ایشان، حفظ تعادل میان «عقل» و «معنویت» بود. در حالی که بسیاری از الگوهای آموزشی یا درگیر عقلانیت خشک و بی‌روح سیاسی بودند یا در معنویت انتزاعی و بی‌ارتباط با واقعیت غرق می‌شدند، روش ایشان در نقطه تعادل بود. ایشان معنویت را نیرویی می‌دانستند که به انسان قدرت می‌دهد تا در میانه چالش‌های مادی، پاک و باصلابت بماند. این «واقع‌گرایی معنوی»، همان چیزی است که ایشان را از شیوه‌های متعارف آموزش سیاسی متمایز می‌کرد، ایشان به جای آموزش صرف «تکنیک‌های قدرت»، «اصالت شخصیت» را آموزش می‌دادند.

اکنون در عصر اطلاعات و هیاهوی رسانه‌ها، چالش بزرگ ما این است که چگونه می‌توانیم این میراث تربیتی را به نسل‌های آینده منتقل کنیم؟ اگر بخواهیم فقط به تکرار کلمات ایشان در کتاب‌های درسی بسنده کنیم، احتمالاً در انتقال این روحیه شکست خواهیم خورد. ما به یک «پازخوانی خلاقانه» نیاز داریم. ما باید این آموزه‌ها را به زبان رسانه‌های مدرن، پادکست‌ها و محتواهای بصری روز ترجمه کنیم. همچنین، انتقال این میراث تنها با «سخن گفتن» ممکن نیست، بلکه با «الگوسازی» میسر است؛ یعنی نهادهای فرهنگی و آموزشی باید آن روحیه مسئولیت‌پذیری و بصیرت را در رفتار خودشان جاری کنند تا نسل‌های جدید، این آموزه‌ها را در عمل ببینند.

در نهایت، معلمی که جهان را تغییر می‌دهد، کسی نیست که فقط فرمول‌ها را می‌آموزد، بلکه کسی است که «بعثت» را در قلب‌ها می‌کارد. امام شهید با کاشتن بذرها، توانست چشم‌اندازی بسازد که هنوز هم در میانه طوفان‌های جهانی، نور راه ماست. ایشان معلمی بودند که کلاس درس‌شان تمام شده، اما درس‌هایشان هر روز در میدان‌های زندگی و در قلب ایستادگی ملت، پازخوانی ما بود.



امیر سرتیپ علیرضا شیخ، معاون اجرایی ارتش جمهوری اسلامی ایران:

## سبد اهداف نیروهای مسلح توسط شهید امیرسپهبد موسوی تعریف شده بود

پنج‌شنبه / ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ / شماره ۵۳۶

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

# معلمی برای زمانه پرآشوب



حاجیه حسین پور

**آگاه مسائل فرهنگی**

در هر جامعه‌ای، نسل جوان برای انتخاب مسیر زندگی، بیش از هر چیز به «الگو» نیاز دارد؛ الگویی که فقط حرف نزند، بلکه شیوه زیستن را نیز نشان بدهد. در فرهنگ ما، معلم کسی است که هم راه را می‌شنااساند، هم انگیزه رفتن را در دل شاگردان زنده نگه می‌دارد. از این منظر، می‌توان به رهبر جامعه نه صرفاً به عنوان یک مقام سیاسی، بلکه به مثابه «معلم نسل جوان» نگاه کرد؛ معلمی که نقش او در هدایت مسیر جوانان، بیش از آنکه در دستورها و بخشنامه‌ها دیده شود، در بیانات، توصیه‌ها و سبک مواجهه‌اش با مسائل آشکار می‌شود.

### معلم نسل جوان؛ فراتر از کلاس درس

در نگاه کلاسیک، معلم در چارچوب یک کلاس و یک درس تعریف می‌شود. اما تجربه نسل جوان نشان می‌دهد که معلم می‌تواند فراتر از این قالب ظاهر شود؛ کسی که با سخن گفتن در میدان‌های عمومی، با تبیین شرایط، با نقد و هشدار و با امید دادن، نوعی «کلاس درس اجتماعی» ایجاد می‌کند.

برای بسیاری از جوانان، سخنرانی‌ها، پیام‌ها و رهنمودهای رهبر جامعه، نقش همین کلاس درس را داشته است؛ فضایی برای فهم بهتر واقعیت، تشخیص مسیر درست و بازتعریف نسبت خود با آینده. از منظر جامعه‌شناختی، این نوع رهبری را می‌توان «رهبری معنابخش» نامید؛ رهبری‌ای که فقط مدیریت نمی‌کند، بلکه به نسل جوان کمک می‌کند جهان پیرامون را معنا کند، جایگاه خود را بفهمد و در نهایت، مسئولیت‌پذیر شود.

### بیاناتی که تبدیل به نقشه‌راه می‌شود

جوانان در دوران گذار از نوجوانی به بزرگسالی، با سه پرسش اصلی روبه‌رو هستند؛ «که هستم؟»، «به کجا می‌خواهم بروم؟» و «این راه را چطور باید طی کنم؟» آنچه یک رهبر را بازنظر فرهنگی «کنش» می‌کند، توانایی او در پاسخ دادن به این سه پرسش است. در تجربه سال‌های اخیر، بسیاری از جوانان، بیانات رهبری شهید را نوعی نقشه‌راه تلقی کرده‌اند:

■ وقتی از «امید به آینده» سخن می‌گفتند، در برابر موج‌های ناامیدی و سرخوردگی اجتماعی، نوعی سپروانی برای جوانان فراهم می‌کردند.

وقتی بر «خودباوری» و «تکیه بر توان داخلی» تاکید می‌کردند، سبک خاصی از هویت فردی و جمعی را پیشنهاد می‌دادند، هویتی که در آن جوان خود را صرفاً مصرف‌کننده محصولات یک جهان آماده نمی‌بیند، بلکه خود را سازنده و موثر می‌داند.

■ وقتی بر «اخلاق» و «مسئولیت‌پذیری» تاکید می‌کردند، به جوانان یادآوری می‌کردند که موفقیت فقط با مهارت و تخصص به دست نمی‌آید، بلکه نیازمند سون‌هایی اخلاقی است. از این منظر، رابطه جوانان با این نوع رهبری، شبیه رابطه شاگرد با معلمی است که تنها به انتقال اطلاعات اکتفا نمی‌کند، بلکه می‌کوشد چارچوب فکری و نظام ارزشی او را نیز شکل دهد.

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

## پرونده

## ویژه



پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

پرونده

## چگونه رهبر شهید طی چند دهه جامعه را با تدبیر، تربیت کردند؟

# راهبر امت

را از لغزش و انحراف بازمی‌دارد. رهبر شهید بارها تاکید می‌کردند که آینده ساخته می‌شود، به نیتکه صرفاً در انتظار آن ننشست. همین نگاه، نسل جوان را از حالت تماشاگر به کنشگر فعال تبدیل می‌کرد. در این منظومه فکری، جوان سرمایه‌ای برای فردا نبود، بلکه سازنده امروز به‌شمار می‌آمد.

در سطح عمومی جامعه نیز رهبر شهید نقش آموزگاری صبور را ایفا می‌کردند؛ ایشان پیچیده‌ترین مفاهیم اجتماعی را با زبانی روشن و قابل فهم بیان می‌کردند، بی‌آنکه از عمق آن مفاهیم کاسته شود. رهبر شهید به جای آنکه جامعه را مخاطب شعار قرار دهند، آن را در مسئولیت‌ها شریک می‌کردند. مفهوم «مسئولیت اجتماعی» در کلام ایشان جایگاه برجسته‌ای داشت. از نگاه ایشان، هر فرد، در هر جایگاهی، سهمی در اصلاح و پیشرفت جامعه دارد. رهبر شهید مردم را به حضوری آگاهانه در عرصه اجتماعی دعوت می‌کردند؛ حضوری که برپایه اخلاق، عدالت خواهی، صداقت و همبستگی اجتماعی استوار باشد.

از دیگر ویژگی‌های برجسته در شیوه رهبری ایشان، پیوند میان عقلانیت و معنویت بود. رهبر شهید نشان دادند که می‌توان در عین پایبندی به ارزش‌های معنوی، نگاهی دقیق و واقع‌بینانه به مسائل داشت. در نگاه ایشان، آرمان خواهی بدون شناخت واقعیت به سرخوردگی می‌انجامد و واقع‌بینی بدون آرمان نیز جامعه را به رکودی می‌کشاند. از همین رو، رهبر شهید همواره این دو را در کنار یکدیگر قرار می‌دادند. این تعادل، به جامعه آ‌رامش فکری می‌بخشید و مانع افتادن در دام افراط و تفریط می‌شد.

ویژگی مهم دیگر در تعلیم‌گری رهبر شهید، استمرار و صوری بود. تربیت اجتماعی فرآیندی کوتاه‌مدت نیست و نیازمند تدابوم و پیگیری است. رهبر شهید با تکرار سنجیده مفاهیم کلیدی، با یادآوری پیوسته مسئولیت‌ها و با حضور مستمر در میدان هدایت، روندی تدریجی اما عمیق از تربیت اجتماعی را شکل دادند. این استمرار سبب شد که بسیاری از مفاهیم مطرح‌شده از سوی ایشان به بخشی از حافظه جمعی جامعه تبدیل شود و در بزنگاه‌های مهم راهنمای عمل قرار گیرد. در نهایت، آنچه از رهبر شهید چهره یک «معلم بعثت‌ساز» می‌سازد، همین نگاه تربیتی است. ایشان جامعه را مخاطبی منغل نمی‌دیدند، بلکه آن را امتی صاحب رسالت می‌دانستند. تلاش رهبر شهید معطوف به پرورش انسان‌هایی بود که خود بتوانند مسیر را ادامه دهند و مسئولیت آینده را بر عهده گیرند. چنین رویکردی، تعلیم را به حرکت اجتماعی تبدیل می‌کند و رهبری را به فرآیندی برای بیدارسازی جامعه بدل می‌سازد.

رهبر شهید نشان دادند که بزرگ‌ترین خدمت یک رهبر به جامعه، پرورش فهم و اراده مردم است. مدیریت‌گری که با تربیت همراه شود، ماندگار خواهد بود و رهبری که به جامعه پیام‌ورز، چگونه‌بیندیش، چگونه‌امیدوار بماند و چگونه مسئولانه عمل کند، در حقیقت آینده آن جامعه را تا حد زیادی، تضمین کرده است.

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود

وقتی رهبر، معلم نسل جوان می‌شود



## پرونده ویژه

روایتی از شاگردی یک امت

## عبور از مرثیه به روایت



چهره «معلم صریح‌اللهجه» را نشان دهند. امامی که به نماینده مجلس می‌گوید «نمی‌فهمی»، امامی که برای یک ایده ساده اقتصادی جوانان، وقت می‌گذارد و تحلیل عمیق می‌کند، این تصاویر، قرار است به نسل امروز بگویند: «این مرد، استاد زیستن در شرایط پیچیده بوده است.»

سوم؛ بازخوانی خلافت‌انه. تعالیم امام را نمی‌توان در یک کتاب خلاصه کرد. هر نسل باید «امام خودش» را روایت کند. نسل امروز، می‌تواند نسبت «مبارزه با طاغوت سیاسی» را با «مبارزه با استکبار اقتصادی و رسانه‌ای» بازتعریف کند. می‌تواند از «رهد امام» به مثابه نقد مصرف‌گرایی افسارگسیخته استفاده کند. این به معنای تحریف نیست؛ به معنای اجتهاد در فهم میراث است.

چهارم؛ ضرورت نهاد‌های غیررسمی و مردمی. آموزش و پرورش و دانشگاه رسمی، ظرفیت کافی هر چند، جریان‌سازی فرهنگی‌گسترده از دل هیات‌های دانشجویی، حلقه‌های مطالعاتی، محافل ادبی و هنری متعدد و حتی شبکه‌های اجتماعی تولید محتوا ی خلاق، می‌توانند تعالیم تربیتی امام را به زبان روز نسل‌ردگی از شعارهای خشک، ترجمه کنند.

### بعثت دوباره

امام شهید، تنها یک رهبر نبود، او «بستر معلمی» را در جامعه گسترش داد. کاری کرد که یک راننده تاکسی بتواند درباره فلسفه سیاسی غرب حرف بزند. کاری کرد که یک نوجوان روسیایی، صاحب غیرت سیاسی شود. این، یعنی بعثت درون امت. حالا آیا ماهنوز شاگردی این معلم را بدلیم؟ پاسخ در همین جمله معروف خودش نهفته است؛ «اما باید خودمان قیام کنیم.» شاید نخستین گام قیام، بازگشت به مکتب معلمی است که به ما آموخت؛ «هیچ‌گاه از کلاس تاریخ فارغ التحصیل نمی‌شوید.»

این یادداشت، دعوتی است به ترک عادت تکریم زبانی و آغاز تمرین دوباره شاگردی. معلم بعثت‌ساز، شایسته‌تر از هر نسل دیگری است که نسل امروز، در مسیر عمل، خود را شاگرد او بشناسد.

گذار از مفاهیم نظری به راهبردهای عملی

## چگونه بودن در برابر چگونه زیستن

این گذار از مفاهیم نظری به راهبرد های عملی نشان دهنده عمق نگاه تمدنی ایشان است. در تحلیل تمدنی یک جامعه زنده همواره درحال بازتولید دانش و معنای خود است. رهبر شهید، خامنه‌ای با تاکید مکرر بر ضرورت جوان‌گرایی و تولید علم تافع، در واقع مکانیزم های درونی خودتولیدی تمدنی را فعال می‌کردند. ایشان به دانشجو و طلبه‌ای که خود را محصور در فضای کلاس می‌دید، یاد آور می‌شد که دانش شما باید قابلیت تبدیل شدن به زیرساخت یک قدرت نرم تمدنی را داشته باشد. این تتر، یعنی علم به مثابه عمل تمدن‌ساز هسته اصلی آموزگاری ایشان بود و دقیقاً همان چیزی است که مانع غلبه رویکردهای سطحی و واکنشی بر گفتمان عمومی شد.

از منظر تحلیل گفتمان، آنچه شأن تربیتی ایشان را متمایز می‌سازد تداوم و انسجام درونی پیام‌ها است. رهبر شهید تا تکیه بر متون بنیادین دینی و تاریخی انقلاب، یک زبان مشترک برای نخبگان و بدنه جامعه ایجاد کردند. این زبان برخلاف گفتمان برای بالا بردن آستانه تحمل و افزایش سطح بلوغ فکری جامعه بود. به عنوان مثال، در مواجهه با پروژه‌های نفوذ فرهنگی یا سیاسی، ایشان همواره از واژگانی استفاده می‌کردند که ریشه در حافظه تاریخی و هویت دینی مردم داشت و این کار باعث می‌شد که توصیه‌های ایشان از مقام «دستور» خارج شده و به ضرورت هویتی تبدیل شود. این یعنی تربیت، درونی‌سازی ضرورت‌های تاریخی در ساختار ذهنی فرد.

در تحلیل این مکانیزم تولید جهت، باید به نقش مقاومت فعال به عنوان یک اصل تربیتی توجه کرد. مقاومت برای رهبر شهید، صرفاً یک تاکتیک دفاعی نبود بلکه یک شیوه تربیتی برای بالا بردن آستانه تحمل و افزایش سطح بلوغ فکری جامعه بود. ایشان با نهادینه کردن گفتمان ایستادگی در برابر ریاده‌خواهی‌های نظم جهانی، جامعه را از حالت مصرف‌کننده صرف مدل‌های بیرونی به یک بازیگر فعال در عرصه نظم‌سازی تبدیل کردند. این آموزه، محصول یک درک عمیق از جریان تاریخ است که در آن تمدن‌ها صرفاً با قدرت نظامی حفظ نمی‌شوند، بلکه با قدرت ایستادگی فکری و روحی معنا می‌یابند.

این رویکرد تربیتی دقیقاً در تقابل با نظریه‌های رایج در حوزه گذار آهسته تمدنی در غرب قرار می‌گیرد. نظریه‌های غربی اغلب بر توسعه خطی و تدریجی تکیه دارند، اما رهبر شهید خامنه‌ای با تاکید بر انقلاب درونی و جهش‌های معرفتی اثبات کردند که می‌توان در فاصله‌ای کوتاه، ساختارهای فکری یک ملت را برای پذیرش مسئولیت تمدنی آماده ساخت. این امر نیازمند مرئیی‌ای بود که خود در مقام یک متفکر عمل‌گرا قرار گیرد و بتواند پیچیدگی‌های فکری را با زبان ساده و متعهدانه بیان کند. شأن آموزگاری ایشان بازگشت به اصل خویشن تمدنی برای جامعه ایران بود. او با مرئیگری خود سعی کرد جامعه را از یک تقلیدگر تاریخ به یک خالق تاریخ بدل کند.

سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران؛

**عملیات بازسازی پالایشگاه‌های گازی آسیب‌دیده در جنگ تحمیلی سوم آغاز شد**

**پنج‌شنبه/ ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵/ شماره ۵۳۴**



**قائد شهید، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۵)؛ معلم بعثت‌ساز**

## روایت یک بعثت اجتماعی

آموزش دعا، توکل و توجه به نصرت الهی در بیانات ایشان، نه برای تخدیر، بلکه برای «استقامت» است. ایشان معلمی هستند که به شاگردان خود می‌آموزند چگونه در میانه میدان جنگ نرم و سخت، پیوند خود را با مبدأ قدرت حفظ کنند تا دچار بن بست نشوند.

واقع بینی آرمان‌گرا، پیچیده‌ترین بخش از تعلیمات ایشان، واقع بینی آرمان‌گرا است. ایشان جامعه را به گونه‌ای تربیت کرده‌اند که هم «واقعیت‌های تلخ» (مانند تحریم‌ها و ضعف‌های میدیترتی) را ببیند و هم از «آرمان‌های بلند» دست نکشد. این روش تربیتی، مانع آن می‌شود که جامعه به دام «ایده‌آلیسم توخالی» یا «رتالیسم تسلیم‌طلبانه» بیفتد.

### ۳. تمایز با شیوه‌های متعارف آموزش سیاسی و اجتماعی

الگوی تعلیم‌گری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره) با مدل‌های رایج آموزش سیاسی چند تفاوت بنیادین دارد؛

اولاً، تعلیم برای «بعثت» است، نه برای «تبعیت محض». در مدل‌های دیکتاتوری یا حتی دموکراسی‌های هدایت‌شده، هدف از آموزش سیاسی، ساختن توده‌هایی است که مطیع سیاست‌های حاکم باشند. اما در نگاه ایشان، هدف تعلیم، بیدار کردن «فطرت» و ایجاد یک «بعثت درونی» در فرد است تا او به یک عنصر فعال، خودانگیزخته و مسئولیت پذیر در جامعه تبدیل شود. تکرار مداوم کلیدواژه «جوانان» در لسان ایشان، نشان‌دهنده همین نگاه تربیتی است که به دنبال کادرسازی برای آینده تمدن است.

ثانیاً، پیوند میان نظرو عمل، آموزش‌های ایشان صرفاً انتزاعی نیست. وقتی ایشان مفهوم «اقتصاد مقاومتی» یا «سبک زندگی» را تعلیم می‌دهند، آن را به کنش‌های روزمره و سیاست‌های کلان گره می‌زنند. این «آموزش کاربردی» باعث می‌شود که آموزه‌ها در سطح ذهن باقی نمانند و به رفتار اجتماعی تبدیل شوند. ثالثاً، جامعیت مخاطب، در حالی که اکثر معلمان اجتماعی برصنف خاصی تمرکز دارند، مخاطب ایشان از «نخبگان ترازاول علمی» تا «عامة مردم در دورافتاده‌ترین روستاها» را شامل می‌شود. ایشان توانسته‌اند نه مفاهیم پیچیده فلسفی و راهبردی را به زبانی ساده‌فان و قابل فهم برای همگان ترجمه کنند، بی‌آنکه از غنای مطلب کاسته شود.

### ۴. رهبر در قامت یک «شهید زنده» و مربی ایثار

تعبیر «امام شهید» یا «شهید زنده» برای ایشان، تنها یک توصیف عاطفی نیست، بلکه بیانگر یک موقعیت تربیتی است. معلمی که خود پیش قراول عمل به درس‌های خویش است، نفوذ کلامی متفاوت دارد. ایشان با ایستادگی در برابر فشارهای بین‌المللی و حفظ ثبات قدم در طول دهه‌ها، درس «صبر» و «بصیرت» را نه با واژه‌ها، بلکه با «زیست مجاهدانه» خود تعلیم داده‌اند. این همان نقطه کمال تعلیم‌گری است، جایی که «معلم» خود به «الگو» تبدیل می‌شود.

بنا براین، شأن تعلیم‌گری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره)، فراتر از یک بیعت‌اداری، رسالتی است که به دنبال بازتولید روح بعثت نبوی و تداوم جریان بعثت در عصر حاضر است. ایشان در قامت یک «معلم بعثت‌ساز»، جامعه را به سمتی هدایت کرده‌اند که در آن، آگاهی مقدمه حرکت و حرکت مقدمه تمدن‌سازی است. برای انتقال این جریان تربیتی به نسل‌های آینده، باید «منطق فکری» ایشان را به عنوان یک نظام آموزشی مدون دربرمآز علمی و فرهنگی بازخوانی کرد. میراث این معلم بزرگ، جامعه‌ای است که یاد گرفته است چگونه در تلاطم‌های قرن بیست و یکم، هویت خود را حفظ کنند. عقلانیت را با عشق پیوند بزنند و در مسیر حق، از ملامت هیچ ملامت‌گری نهراسد. هفته معلم، بهترین بهانه برای تحلیل از این «شأن نادیده‌مانده» رهبری است که بیش از هر چیز، دلسوز رشد و بیداری جان‌های مردمان خویش بود.

**قله نظام «تربیت اجتماعی» از منظر امام خامنه‌ای (۵)**

## انسان آگاه

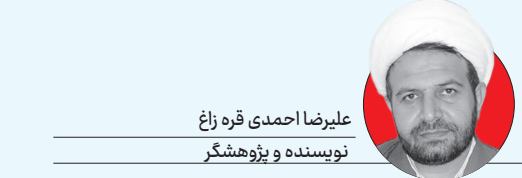
دارد، تلاش مستمر و هدفمند برای روشنگری، مقابله با شبهات و فسادسازی‌های دشمنان در جنبه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، رسانه‌ای، علمی و اجتماعی را ایجاب می‌کند. «انسان آگاه» در این عرصه، نه صرفاً یک شنونده یا تماشاگر بلکه یک کنشگر فعال در روشنگری و دفاع از حق و حقیقت است.

فراتر از این، «مقاومت» در ابعاد مختلفی همچون اقتصاد مقاومتی، مقابله با جنگ نرم و فرهنگی، پایداری سیاسی و ایستادگی در برابر فشارهای خارجی نیز نیازمند «انسان آگاه» است؛ انسانی که با درک عمیق از ضرورت‌ها، ایثارگرانه در میدان باقی بماند و صرفاً تابع هیجانات نباشد. رویدادهایی همچون «حضور فعال در صحنه‌های جهانی» به معنای عام خدمت‌رسانی و معروفیت‌زدایی و «مشارکت نخبگان» در حل چالش‌های پیچیده کشور نیز نمودهایی از همین تجلی «انسان آگاه» است که توانسته در برهه‌های حساس، مسیر جامعه را هموار سازد.

در این رهگذر، حفظ حیات، پویایی و اثرگذاری میراث این معلم بزرگ و پاسداری از اندیشه‌های ایشان در قالب مفهوم «انسان آگاه»، با رویکرد فعال و خلاقانه نیز بیش از هر زمان دیگری واجب است؛ لازم است مبانی فلسفی، معرفتی و عملی «انسان آگاه» در اندیشه آیت الله خامنه‌ای (ره)، به صورت علمی و مستند، مورد پژوهش قرار گیرد. این تبیین باید بتواند چرایی ظهور این مفهوم در آرای ایشان و تمایز آن با سایر برداشت‌ها را روشن سازد، همچنین علاوه بر تبیین مبانی، باید به آموزش عملی مهارت‌های لازم برای کسب «آگاهی» و تحلیل عمیق پرداخته شود؛

این مهارت شامل قدرت نقد، پرسشگری، تحلیل و درک عمیق مسائل روز است. الگو آفرینی از «انسان آگاه» و معرفی و تبیین سیرۀ افرادی که در مصداق عملی، «انسان آگاه» و «کنشگر مسئول» در مکتب امام خامنه‌ای (ره) بوده‌اند نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین استفاده از ابزارهای نوین فرهنگی، رسانه‌ای و آموزشی برای انتقال مفهوم «انسان آگاه» به گونه‌ای که برای نسل‌های جدید، جذاب، قابل فهم و کاربردی باشد نیز مهم و اثرگذار است.

در نهایت، با اشاره به ظهور «انسان آگاه» در این عصر و در رویداد بزرگ «بعثت امت» و «جهاد خیابانی» لازم است یادآوری شود که آموزگاری آیت‌الله خامنه‌ای (۵)، جریانی ریشه‌دار در فهم عمیق از انسان و ناظر به افق‌های آینده تمدنی اوست. جریانی که ریشه‌های آن اسلامی در اندیشه‌گاه امام شهید، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت و تا امروز تداوم داشته است پس حفظ این میراث و وظیفه‌ای خطیر است که نیازمند درک عمیق مفهوم «انسان آگاه»، تعهد به آن و به کار بردن خلاقیت در روش‌های انتقال آن است تا این مکتب تربیتی، همچنان چراغ راه هدایت نسل‌ها باقی بماند.



**علیرضا احمدی قره زاغ**

**نویسنده و پژوهشگر**

شأن رهبری قائد شهید، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره)، نه صرفاً از منظر سیاسی–امنیتی، بلکه باید به مثابه یک «مکتب تربیتی» بازخوانی شود. این نوشتار با نگاهی به ۳۷ سال هدایت مستمر، به تبیین این موضوع می‌پردازد که چگونه ایشان در نقش یک «معلم اجتماعی» و «مربی تمدنی» ظاهر گنش و جامعه را به سمت تمدن‌سازی حرکت داده‌اند.

در ادبیات سیاسی جهان، رهبران غالباً در قامت کنشگران‌ها، سیاست‌مداران حرفه‌ای یا فرماندهان نظامی تصویر می‌شوند. اما در سنت فکری انقلاب اسلامی، جایگاهی وجود دارد که بر تمامی این شئون سایه می‌اندازد، «شأن تعلیم‌گری.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره) در طول نزدیک به چهار دهه، فراتر از مسئولیت‌های ساختاری، در نقش یک «معلم اجتماعی» و «مربی تمدنی» ظاهر شده‌اند. ایشان با بازتعریف نسبت میان «آموزگار» و «امت» و رهبری را به یک کلاس درس فراگیر تبدیل کردند که هدف آن نه فقط آاداره امور، بلکه «بعثت‌سازی» در بطن جامعه است. اما مختصات این تعلیم‌گری چیست و چرا ایشان را باید «معلم بعثت‌ساز» نامید؟

**۱. ویژگی‌های روش تربیتی و آموزشی: تعلیم بر مبنای «تبیین»**
نخستین و برجسته‌ترین ویژگی روش آموزشی ایشان، محوریت «تبیین» به جای «تلقین» است. در نظام‌های آموزشی کلاسیک با تلیفات سیاسی مدرن، هدف غالباً اشباع ذهنی مخاطب با داده‌های یک‌طرفه است؛ اما در مکتب تربیتی ایشان، اصل بر «افتاح عقلانی» و «برانگیختگی درونی» است. ایشان طی ۳۷ سال، با استفاده از قالب‌های گوناگون (از خطبه‌های نماز جمعه تا دیدارهای صمیمی با دانشجویان و آحاد مردم)، «روش تلیل» را به جامعه آموزش داده‌اند. ایشان به جای آنکه صرفاً «نتیجه» را به مخاطب دیکته کنند، «مسیر رسیدن به نتیجه» را پیش پای او می‌گذرانند. این روش که امروز تحت عنوان «جهاد تبیین» شناخته می‌شود، در واقع یک متدولوژی آموزشی است که مخاطب را از یک مصرف‌کننده پیام، به یک تحلیل‌گر آگاه تبدیل می‌کند. در این الگو، معلم تلاش می‌کند تا «بصیرت» را به عنوان یک ملکه ذهنی در آحاد جامعه نهادینه کند تا آنها در غیاب معلم نیز قادر به تشخیص حق، از باطل باشند.

### ۲. نسبت میان عقلانیت، معنویت و واقع‌بینی

تعلیم‌گری در این مکتب، بر یک اصلاح سه‌گانه خلل‌ناپذیر استوار است که توازن آنها، مانع انحراف حرکت تربیتی می‌شود؛

عقلانیت انقلابی، ایشان تعلیم می‌دهند که انقلابی‌گری به معنای رفتارهای تند و بی‌منطق نیست، بلکه انقلابی‌گری اوج عقلانیت است. در کلاس درس ایشان، عقلانیت یعنی محاسبه صحیح قوا، شناخت دقیق دشمن و پرهیز از سطحی‌نگری. ایشان با بازخوانی مداوم تاریخ معاصر، به جامعه آموختند که چگونه می‌توان با خشک‌کش عقل، تحولات پیچیده جهانی را اندازه‌گیری کرد. معنویت محرک، برخلاف الگوهای سکولار که معنویت را امری شخصی و منزوی می‌دانند، در تعلیم‌گری ایشان، معنویت «سوخت حرکت اجتماعی» است.

**علی اسدی**

**آگاه مسائل اندیشه**

در بررسی منظومه فکری و سیرۀ عملی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (ره)، فراتر از جایگاه سیاسی، می‌توان ایشان را در مقام یک «معلم» و «مربی» با سبکی منحصر به فرد در «تربیت اجتماعی» و فرآیند «جامعه‌سازی» باز شناخت. هرچند سبک ایشان از چنان ظرافت و ظریفی برخوردار است که تاریخ، مشابه آن را فقط نزد انبیا و حضرات معصومین (علیهم‌السلام) مشاهده کرده، اما جغرافیای کنونی نیز از ارائه مشابه برای آن، در این گستره خاکی و در این روزگار عاجزمانده است. در دل اندیشه‌های معظله، «باور به انسان»، در طول ایمان به خداوند متعال و

به عنوان عنصری محوری در «تربیت اجتماعی» مطرح می‌شود؛ جایگاهی واقعی و به دور از شعارزدگی که گاه گمان می‌رود تمام و زنده اندیشه ایشان را شامل می‌شود. از همین رو است که بریند «انسان» به عنوان ستون فقرات جامعه‌پردازی در «مکتب امام خامنه‌ای (ره)» اهمیتی مضاعف می‌یابد.

برترین و دقیق‌ترین تعبیری که می‌توان برای انسان مورد نظر در نظام تربیتی و مکتب فکری ایشان به کار برد، تعبیر «انسان آگاه» است؛ چرا که از منظر ایشان، این «آگاهی» و قدرت «تحلیل» است که انسان را به «کنشگری» و ایفای نقش موثر در روند جریانات، اتفاقات و حوادث وامی‌دارد.

این «آگاهی» صرفاً کسب اطلاعات نیست، بلکه ترکیبی است از نخست؛ بصیرت دینی و معرفتی شامل درک عمیق مبانی توحیدی، جهان‌بینی قرآنی و فلسفه وجودی انسان در هستی، دوم؛ قدرت تحلیل سیاسی و اجتماعی به معنای توانایی درک پیچیدگی‌های روابط بین‌الملل، تشخیص اولویت‌ها، تحلیل معادلات قدرت و شناخت واقعیت‌های جامعه و جهان، سوم؛ هویت‌یابی صحیح به معنای شناخت جایگاه خود در تاریخ، تمدن و رسالت‌هایی که از جانب خداوند بر عهده انسان است و در انتها؛ مسئولیت‌پذیری و ایفای نقش صحیح و موثر که متضمن تکلیف برای کنشگری در جهت تحقق اهداف الهی و انسانی است.

در این نظام تربیتی، «انسان آگاه» که نقطه مقابل «انسان منفعل» است با اتکا به ایمان و بصیرت، مسیر خود را از میان امواج پرتلاطم حوادث، پیدا و چارچوب فکری‌اش را بر پایه‌های مستحکمی از باورها بنا می‌کند.

نمونه ملموس و برجسته تجلی «انسان آگاه» در مکتب تربیتی آیت‌الله خامنه‌ای (ره)، در رویکرد و توجه ایشان به اصل «جهاد تبیین» به وضوح مشاهده می‌شود. جهاد تبیین که به صورت مستقیم بر اهمیت آگاهی، بصیرت و قدرت تحلیل تاکید



## کلاه بافتنی با قابلیت ذهن خوانی!

یک استارت‌آپ اد عا کرده که کلاه بافتنی آنها می‌تواند ذهن را بخواند. اگر فکر می‌کردید عینک‌های هوشمند مجهز به هوش مصنوعی بد هستند، صبر کنید تا کلاه سابی (Sabi) را امتحان کنید. به نقل از فیوچر‌یسِم، سابی یک استارت‌آپ مستقر در کالیفرنیا است که روی کلاه بافتنی کار می‌کند که به گفته این شرکت می‌تواند سیگنال‌های واقعی مغز کاربر را بررسی کند. کلاه سابی، مجهز به ۱۰۰ هزار حسگر الکتروانسفالوگرافی (EEG) است که سیگنال‌های الکتریکی مغز فرد را به داده‌های قابل استفاده برای مدل هوش مصنوعی تبدیل می‌کند و همه اینها با سرعت ۳۰ کلمه در دقیقه انجام می‌شود. گفته می‌شود مدل هوش مصنوعی که آن را پشتیبانی می‌کند، بر اساس ۱۰۰ هزار ساعت داده از حدود ۱۰۰ داوطلب آموزش دیده است. اما با توجه به اینکه الگوهای تفکر و گفتاریین افراد بسیار متفاوت است، جانش ساخت یک دستگاه تبدیل الکتروانسفالوگرافی به گفتار که برای همه قابل استفاده باشد، بسیار زیاد است و این شرکت هنوز هیچ مدرکی مبنی بر عملکرد محصول خود مطابق آنچه تبلیغ شده است، به اشتراک نگذاشته است. با این حال، همانطور که یک مقاله داوری شده که سال گذشته در Scientific Reports منتشر شد، نشان داد، اثربخشی مدل‌های تبدیل الکتروانسفالوگرافی به متن «به دلیل محدودیت‌های روش‌های ارزیابی» همچنان نامشخص است.

به عبارت دیگر، ممکن است بینانگاران سابی میزان پیشرفت مدل بنیادی مغز خود را به شدت دست کم گرفته باشند. تا زمانی که نگاهی اجمالی به این محصول که قرار است در اواخر سال ۲۰۲۶ عرضه شود، بیندازیم، حدس و گمان در مورد اینکه آیا این یک دستگاه ذهن خوانی واقعی است یا فقط یک کلاه بسیار گران‌قیمت، همچنان پابرجاست.



## اوج قدرت حافظه در چه سنی است؟

از زمانی که خودمان را می‌شناسیم، در طول زندگی انبوهی از خاطرات را به شکل حافظه در مغزمان مفظ کرده و با خود حمل می‌کنیم. اما این خاطرات را نمی‌توانیم تمام عمر با خود حفظ کنیم و ممکن است جایی در زندگی آنها را به دست فراموشی بسپاریم.

تا به حال پیش آمده وارد اتاقی شوید و یاد نماند برود در آنجا چه کاری داشتید؟ ضعف حافظه و فراموشکاری به دلایل مختلف برای همه پیش می‌آید. در واقع حافظه هرکس هویت او را تشکیل می‌دهد و او را به خاطرات و رویدادهای زندگی‌اش متصل می‌کند. همچنین حافظه برای داشتن ارتباط با دیگران حیاتی است و مهم‌تر از همه این ویژگی به فرد کمک می‌کند هرآنچه را که برای بقا و زنده ماندن لازم دارد به خاطر بسپرد. اما حافظه در طول زمان و دوره‌های زندگی افراد، از کودکی تا کهنسالی دستخوش تغییر می‌شود.



**آب و هوا**

### بارندگی و رعدوبرق

#### مهمان نقاط مختلف کشور

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا از وقوع بارندگی، رعدوبرق، وزش باد شدید و در نقاط مستعد خیزش گردوخاک در نقاط مختلف کشور خبر داد.

صادق ضیاییان درباره وضعیت جوی کشور اظهار کرد: پنج‌شنبه (۱۷ اردیبهشت) در شمال استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، استان‌های ساحلی خزر و خراسان شمالی دربرخی ساعات بارندگی، رعدوبرق، وزش باد شدید موقت، در نقاط مستعد گردوخاک پیش‌بینی می‌شود.

رئیس مرکزملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا اضافه کرد، کاهش‌یتم این شرایط جوی جمعه (۱۸ اردیبهشت) در نیمه شمالی استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شمالی و شمال خراسان رضوی، شنبه (۱۹ اردیبهشت) در شمال غرب و شمال شرق و یک‌شنبه (۲۰ اردیبهشت) در ارتفاعات خراسان شمالی و شمال خراسان رضوی دور از انتظار نیست.

وی ادامه داد: طی دو روز آینده در برخی نقاط شمال غرب، غرب، دامنه‌های جنوبی البرز مرکزی، بخش‌هایی از مرکز، شمال شرق و شرق در برخی ساعات وزش باد شدید موقت، گاهی گردوخاک پیش‌بینی می‌شود.

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا اضافه کرد، در روز پنج‌شنبه در استان‌های ساحلی خزر و شمال شرق کاهش دما رخ خواهد داد.

به گفته ضیاییان پنج‌شنبه و جمعه خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان مواج پیش‌بینی می‌شود.

**آگاه /** روزنامه گروه رسانه‌ای مهر **مدیرمسئول:** محمدمهدی رحمتی **سردبیر:** امیر اسماعیلی **دبیر تحریریه:** رضا ظریفی **دبیران گروه‌ها:** هادی رضایی **سیاست** | **سید مرتضی مفیدنژاد** **پرونده‌های ویژه** **مجتبی مشهدی محمد فرهنگ**



<span>خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳</span>
<div> <div> <div> <div><span>۰۲۱-۶۶۷۸۷۶۵۵</span></div> <div><span>۸۸۷۶۵۶۷۸-۰۲۱</span></div> </div> </div> </div>

چاپ: همشهری



#### برداشت توت فرنگی از مزارع بهنمیردرماندران

برداشت توت فرنگی از مزارع بخش بهنمیر شهرستان بالسر در استان مازندران از اواخر فروردین آغاز شده است و همچنان ادامه دارد. توت فرنگی روزانه و پس از رسیدن تربیجی محصول، برداشت می‌شود و این روند تا اواخر خرداد ادامه خواهد داشت.



عکس: کیوان یوسف پوری / خبرگزاری صداوسیما

**سبک زندگی**

## چگونه پودر گوجه فرنگی خانگی درست کنیم؟

پودر گوجه فرنگی یکی از آن چاشنی‌های بسیار محبوب و پرکاربرد در آشپزی است. آماده‌سازی این پودر به صورت خانگی بسیار مقرون به صرفه و بهداشتی‌تر از محصولات کارخانه‌ای است و شما به راحتی بدون نیاز به ابزار خاصی می‌توانید در خانه آن را آماده کنید. در این مقاله طرز تهیه پودر گوجه فرنگی خانگی را به شما آموزش خواهیم داد.

**مواد لازم:**

گوجه فرنگی یک کیلوگرم  
نمک یک قاشق چای خوری

**طرز تهیه**

گوجه‌ها را به دقت بررسی کنید تا هیچ‌گونه لک، خرابی یا کپک‌زدگی نداشته باشند. آنها را با آب سرد به خوبی بشویید و کلاهک سبزشان را جدا کنید. پس از شست‌وشو، آنها را در آبکش بگذازید تا گوجه‌ها کاملاً خشک شوند. باقی ماندن آب روی سطح گوجه می‌تواند فرآیند خشک شدن را طولانی‌کند و احتمال کپک زدن را افزایش دهد.

با کمک چاقوی تیزی یک دستگاه اسلایسر (مانند مندولین)، گوجه‌ها را به صورت حلقه‌های نازک برش دهید. ضخامت ایده‌آل برای برش‌ها بین سه تا پنج میلی‌متر است.

سعی کنید گوجه‌ها را با ضخامت یکسان برش برزید. اگر برخی برش‌ها ضخیم و برخی دیگر نازک باشند، همزمان خشک نخواهند شد. حلقه‌های نازک‌تر ممکن است بسوزند. در حالی‌که ضخیم‌ترها هنوز مرطوب باقی مانده‌اند. این عدم هماهنگی در کیفیت نهایی پودر شما تأثیر منفی خواهد گذاشت.

یک سینی بزرگ و مناسب انتخاب کنید و کف آن را با یک لایه کاغذ روغنی بپوشانید تا گوجه‌ها پس از خشک شدن به سینی نچسبند.

حلقه‌های گوجه فرنگی را با کمی فاصله از یک‌دیگر روی کاغذ روغنی بچینید. مقدار بسیار کمی نمک روی سطح گوجه‌ها بپاشید. نمک علاوه بر طعم دهی، به خارج شدن سریع‌تر رطوبت از بافت گوجه نیز کمک می‌کند.

فرزآوری پایین‌ترین دمای ممکن تنظیم کنید. اگر فر شما حالت فن یا کانوکشن دارد، آن را فعال کنید تا هوای داغ به خوبی در محفظه گردش کند.

سینی گوجه‌ها را در طبقه وسط فر قرار دهید. برای اینکه رطوبت خارج شده از گوجه‌ها در فر حبس نشود، درب فر را با قرار دادن یک قاشق چوبی، کمی باز نگه دارید.

هر یک تا دو ساعت یک بار گوجه‌ها را چک و آنها را زیر و رو کنید تا نسوزند. فرآیند خشک شدن در فر، بسته به دما و ضخامت گوجه‌ها، بین ۶ تا ۱۰ ساعت زمان می‌برد. پس از اینکه گوجه‌ها کاملاً خشک شدند، سینی را از فر خارج کنید و اجازه دهید برای حداقل یک ساعت در دمای محیط کاملاً خنک شوند.

آسیاب کنید گوجه‌های داغ می‌تواند باعث ایجاد بخار و رطوبت در دستگاه شود. گوجه‌های خشک و خنک شده را در یک آسیاب برقی بقر قدرت (آسیاب قهوه یا مخلوط‌کن) بریزید و آنها را در چند پالس کوتاه پودر کنید.

برای رسیدن به یک پودر کاملاً نرم و یک‌دست، می‌توانید پودر به دست آمده را از یک الک ریز عبور دهید تا ذرات درشت‌تر جدا شوند. این ذرات را می‌توانید مجدداً آسیاب کنید.

پودر گوجه فرنگی خانگی خود را در یک ظرف شیشه‌ای تمیز، خشک و کاملاً دربسته (نمفوذناپذیره‌ها) بریزید.

این ظرف را در مکانی خشک، خنک و دور از نور مستقیم خورشید، مانند کابینت آشپزخانه، نگه داری کنید.

**طرز تهیه پودر گوجه خانگی در افتاب**

## طرز تهیه پودر گوجه خانگی در افتاب

اگر در منطقه‌ای با آب و هوای گرم، خشک و آفتابی زندگی می‌کنید، این بهترین و طبیعی‌ترین روش است. سینی گوجه‌ها را در معرض تابش مستقیم نور خورشید قرار دهید.

برای جلوگیری از نشستن گرد و غبار و همچنین محافظت در برابر حشرات، یک توری یا پارچه بسیار نازک و تمیز را با

**طرز تهیه پودر گوجه خانگی در افتاب**

اگر در منطقه‌ای با آب و هوای گرم، خشک و آفتابی زندگی می‌کنید، این بهترین و طبیعی‌ترین روش است. سینی گوجه‌ها را در معرض تابش مستقیم نور خورشید قرار دهید.

برای جلوگیری از نشستن گرد و غبار و همچنین محافظت در برابر حشرات، یک توری یا پارچه بسیار نازک و تمیز را با

## پنج‌شنبه

<span>۱۷ اردیبهشت ماه ۱۴۰۵</span>
<span>۱۹ ذی‌القعده ۱۴۴۷</span>   <span>۷ می ۲۰۲۶</span>
<div> <div> <div> <div><span>اذان صبح</span></div> <div><span>۰۳:۳۴</span></div> </div> </div> </div>

اذان ظهر

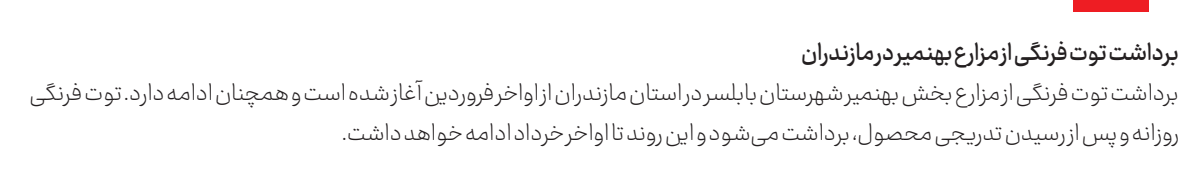
۱۲:۰۱

اذان مغرب

۱۹:۱۲

نیمه‌شب شرعی

۲۳:۱۳



پودر گوجه فرنگی یکی از آادیه‌های بسیار پرکاربرد در آشپزی است. می‌توانید آن‌ها به عنوان جایگزین رب در انواع خورش، سوپ و آبگوشت استفاده کنید تا بدون اضافه کردن آب، طعم و رنگ گوجه را تقویت کنید.

این روش مطمئن‌ترین و دقیق‌ترین راه برای خشک کردن گوجه فرنگی است. دستگاه از طبق دستورالعمل آن روی دمای مناسب برای سبزیجات (معمولاً حدود ۵۵ تا ۶۰ درجه سانتی‌گراد) تنظیم کنید.

حلقه‌های گوجه را روی سینی‌های دستگاه بچینید و آن را روشن کنید. این روش معمولاً بین هشت تا ۱۲ ساعت طول می‌کشد و نتیجه‌ای بسیار یک‌دست و عالی به شما می‌دهد.

#### موارد استفاده پودر گوجه فرنگی

پودر گوجه فرنگی یکی از آادیه‌های بسیار پرکاربرد در آشپزی است. می‌توانید آن‌ها به عنوان جایگزین رب در انواع خورش، سوپ و آبگوشت استفاده کنید تا بدون اضافه کردن آب، طعم و رنگ گوجه را تقویت کنید.

این پودر برای طعم دار کردن گوشت، مرغ و ماهی قبل از پخت و همچنین برای مزه‌دار کردن سبزی‌منه سرخ‌کرده، سبزیجات کبابی و پاپ‌کورن عالی است.

همچنین با ترکیب آن با ماست یا پنیر خامه‌ای، می‌توانید دیپ‌های سریع و خوشمزه‌ای آماده کنید. با افزودن مقداری آب، به راحتی آن را به رب یا سس گوجه فرنگی تبدیل کنید و در آماده‌سازی سس پیترز و پاستا از آن استفاده کنید.

#### نکات و فوت‌وفن‌ها

در ادامه به چند نکته طلایی برای بهتر شدن طعم پودر گوجه فرنگی خانگی اشاره خواهیم کرد. با ما همراه باشید.

باید از خشک شدن کامل گوجه‌ها اطمینان حاصل کنید. گوجه‌های خشک شده باید کاملاً ترد، شکننده و چپسبی باشند. اگر یک حلقه را خم کنید، باید به راحتی بشکند و به هیچ وجه حالت چرمی یا انعطاف‌پذیر نداشته باشد. اگر هنوز کمی نرمی حس می‌کنید، به آنها زمان بیشتری برای خشک شدن بدهید. وجود کوچک‌ترین رطوبت در گوجه‌ها باعث می‌شود پودر شما پس از مدتی کپک بزند و تمام زحمات آن هدر برود.

مهم‌ترین قدم برای داشتن یک پودر گوجه باکیفیت، انتخاب گوجه فرنگی مناسب است. بهترین گزینه، گوجه فرنگی‌های گرم‌شتی، سفت، کاملاً قرمز و رسیده؛ مانند گوجه‌های رومی (تخم‌مرغی) هستند. این نوع گوجه‌ها آب کمتری دارند و در نتیجه سریع‌تر خشک می‌شوند و پودر بیشتری به شما می‌دهند.

در مرحله خشک کردن از روی هم قرار دادن گوجه‌ها خودداری کنید. زیرا این کار مانع گردش هوا شده و باعث می‌شود گوجه‌ها به جای خشک شدن، بپزند یا کپک بزنند. هنگام آسیاب کردن گوجه‌های خشک، می‌توانید مقداری پودر سیر، پودر پیاز، فلفل قرمز، آویشن یا پونه کوهی خشک شده به آن اضافه کنید تا یک پودر طعم‌دار ترکیبی و جذاب داشته باشید.

برای داشتن پودری با رنگ قرمزتر و طعم شیرین‌تر، می‌توانید قبل از برش زدن، برای داشتن پودری با بافت نرم‌تر و طعم تند، تخم‌ها و بخش آبدار مرکزی آن گوجه‌ها را از وسط نصف کنید و با یک قاشق کوچک، تخم‌ها و بخش آبدار مرکزی آن را خارج کنید. این کار زمان خشک شدن را نیز کوتاه‌تر می‌کند.

برای اطمینان از نبود رطوبت، پس از آماده‌سازی پودر، آن را در پیشه بریزید؛ اما درب آن را برای ۲۴ ساعت اول محکم نبندید. هرروز پیشه را تکان دهید. اگر پودر به هم چسبید یا گلوله شد، یعنی هنوز رطوبت دارد و باید آن را برای مدت کوتاهی روی

سینی در فر با دمای خیلی کم قرار دهید تا کاملاً خشک شود.

در مواقعی که رب گوجه فرنگی در دسترس ندارید، می‌توانید چند قاشق از این پودر را با مقدار کمی آب داغ مخلوط کنید و یک سس غلیظ و خوش‌رنگ درست کنید.

اگر این پودر به درستی آماده و نگهداری شود، می‌تواند برای بیش از یک سال کیفیت، عطر و طعم فوق‌العاده خود را حفظ کند.

## #تجربه\_کردم

#### تقدیر

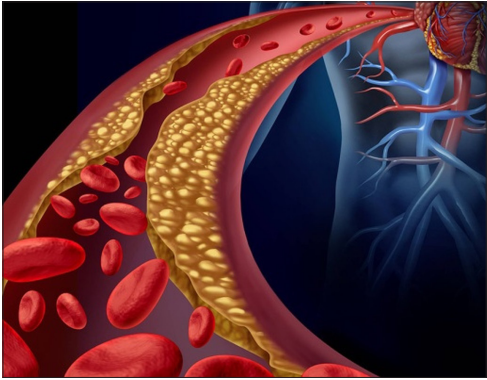
بعضی از همکارانت، به شوق «ادیده شدن» از سوی تو، کارهایی را می‌کنند و تو به خاطر شلوغی سرت، آن کارها را نمی‌بینی.

حواست باشد همیشه از منظری دیگر هم به کارهای «موظف»ی دیگران نگاه کنی.

راه دیگرش هم این است که از دوستان دلسوزت بخواهی اگر متوجه شدند کسی از همکارانت، کاری را بیش از وظیفه‌اش کرده، تو را متوجه کنند تا از او تقدیر کنی.

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشرپرنده

## تاثیر مکمل کلارن در بهبود سلامت پوست و آرتروز



بررسی شواهد نشان داده است که مکمل‌های کلارن مزایای قابل توجهی دارند، از جمله بهبود سلامت پوست و کاهش درد ناشی از آرتروز بر اثر ساییدگی و پارگی.

به نقل از هلث دی نیوز، محققان گزارش دادند که با مصرف مکمل‌های کلارن، خاصیت ارتجاعی و هیدراتاسیون پوست بهبود می‌یابد و درد و سفتی آرتروز کاهش می‌یابد.

محققان دریافتند که مصرف مکمل‌ها در مدت زمان طولانی‌تر منجر به مزایای بیشتری می‌شود.

لی اسمیت، محقق ارشد از دانشگاه انگلیا راسکین در بریتانیا، در یک بیانیه خبری گفت: «کلارن درمان همه بیماری‌ها نیست، اما در صورت استفاده مداوم در طول زمان، به ویژه برای پوست و آرتروز، مزایای معتبری دارد.»

محققان در یادداشت‌های پیش‌زمینه گفتند که کلارن پروتئینی است که در بافت‌های همبند انسان، از جمله پوست، تاندون‌ها، غضروف و استخوان‌ها یافت می‌شود. این پروتئین تا ۳۰ درصد از کل پروتئین‌های بدن انسان را تشکیل می‌دهد.

با وجود رونق این مکمل، موجی از تحقیقات در مورد فواید سلامتی کلارن آغاز شده است. اما این اولین بررسی جامع است که با هدف جمع‌آوری تمام این داده‌ها و تفکیک حقایق از افسانه‌ها انجام شده است.

این بررسی علاوه بر فواید پوستی و آرتروز، بهبوددهای متوسطی در توده عضلانی و سلامت عضلات و تاندون‌ها را نیز نشان داد؛ شواهدی مبنی بر اینکه کلارن می‌تواند در پیری سالم نقش داشته باشد.

با این حال، کلارن ورزش یا عملکرد ورزشی را بهبود نبخشید. محققان گفتند که هیچ پیشرفت معناداری در پاراییی عضلات یا کاهش درد پس از ورزش مشاهده نشد، که نشان می‌دهد کلارن نباید به عنوان یک مکمل ورزشی سریع‌الاث‌ر نظر گرفته شود.

محققان گفتند که شواهد کمی نیز وجود دارد که کلارن می‌تواند بیماری‌هایی یا عوامل متابولیکی مانند کلسترول، فشارخون یا قند خون را بهبود بخشد.

## پنج تغییر ساده که می‌تواند فشارخونت را پایین بیاورد



خیلی وقت‌ها فشارخون بالای سرورصدا وارد زندگی می‌شود. نه درد دارد، نه علامت واضحی، اما آرام‌آرام به قلب، مغز و عروق آسیب می‌زند.

خبر خوب این است که برای کنترلش، لازم نیست زندگی‌ات را از صفر تغییر بدهی. چند عادت کوچک، اگر مداوم باشند، می‌توانند معجزه کنند،

#### اولین قدم، کاهش وزن؛ هرچند خیلی کم

بدن به تغییرات کوچک هم واکنش نشان می‌دهد. حتی چند کیلو کاهش وزن می‌تواند فشارروی عروق را کم‌تر کند و عدد فشارخون را پایین بیاورد.

#### بعد از آن، باید با یک دشمن پنهان روبه‌رو شوی؛ نمک

بیشتر نمکی که مصرف می‌کنیم، از نمک‌ان نمی‌آید. در غذاهای آماده، نان، ساندویچ‌ها و حتی سوپ‌ها پنهان شده است. خواندن برچسب مواد غذایی شاید ساده به نظر برسد، اما یکی از موثرترین کارهایی است که می‌توانی انجام بدهی.

#### «حرکت، کلید بعدی است

لازم نیست ورزش سنگین انجام بدهی. فقط کافی است بدن را از حالت سکون خارج کنی. یک پیاده‌روی تند روزانه، دوچرخه‌سواری یا حتی کارهای ساده مثل باغبانی می‌تواند به شکل قابل‌توجهی فشارخون را بهبود دهد.

#### تمرینات قدرتی را دست‌کم نگیر

با بالا رفتن سن، عضلات کاهش پیدا می‌کنند و این روی سلامت قلب اثر می‌گذارد. تمرین با وزنه یا حتی حرکات مقاومتی ساده در خانه، می‌تواند بدن را قوی‌تر و متعادل‌تر نگه دارد.

#### در نهایت، چیزی که اغلب نادیده گرفته می‌شود: استرس

استرس فقط یک حس ذهنی نیست؛ باعث تنگ شدن عروق می‌شود و فشار خون را بالا می‌برد. چند دقیقه مدیتیشن، تنفس عمیق یا حتی یک توقف کوتاه در روز می‌تواند اثر واقعی داشته باشد.

واقعیت این است که کنترل فشارخون، بیشتر از آنکه به دارو وابسته باشد، به سبک زندگی وابسته است.

انتخاب‌هایی که هر روز نگار می‌کنی، غذا، حرکت، آرامش، در حال ساختن آینده سلامت تو هستند. لازم نیست کامل باشی. فقط کافی است از یکی از این تغییرات شروع کنی.

منبع: health.harvard